

صنعت خودروسازی

امروزه صنعت خودروسازی در تمامی کشورهای صنعتی پیشرفته

از جمله صنایع اساسی و مهم است. به عنوان مثال ۱۰ درصد از

ارزش افزوده صنعتی و همچنین ۱۰ درصد اشتغال صنعتی

کشورهایی مانند ژاپن و آمریکا از قبل این صنعت ایجاد می‌گردد.

با توجه به اهمیت این صنعت و وجود عوامل عدیده رشد و پویایی

صنعت خودروسازی همچون تقاضای کافی در مقیاس اقتصادی،

صنایع جانبی و حامی، تکنولوژی مرتبط و... در ایران امیدمی‌رود با

همت و تلاش دست‌انکاران و پشتیبانی مسئولان محترم نظام مقدس

جمهوری اسلامی ایران، صنعت خودروسازی در روند رشد شتابان

خود علاوه بر پاسخگویی مناسب به تقاضای بازار داخلی و بازارهای

خارجی به خصوص جماهیر تازه استقلال یافته آسیای میانه و حوزه

خلیج فارس به صنعتی شدن و ورود فعالانه کشور به بازارهای

جهانی کمک موثر نماید و با صدور قطعات و محصولات صنعتی

می‌توانیم کشور را از وابستگی با ارز نفت که داریم درنوسان است،
نجات دهیم.

شرکت سایپا یکی از این شرکتها می‌باشد که برای بهبود جامعه و
مواردی که در بالا ذکر شد در جامعه تلاش می‌کند.

تاریخچه سایپا:

بخش اول: ورود خودرو به ایران

کلیات: با اختراع موتورهای چهار زمانه درون سوز در نیمه دوم قرن
۱۹ و تکمیل آن متناسب با پیشرفت‌های دانش بشری و سرانجام تولید

انبوه انواع خودروها در اوایل قرن بیستم، موارد استفاده اتومبیل به

عنوان وسیله‌ای لوکس و تجملی جهت گشت و گذار آخر هفته و نشان

دادن برتری و منزلت اجتماعی مالک آن تغییر یافت و به صورت

وسيله‌ای ضروری برای رتق و فتق مشکلات روزمره زندگی

بخصوص در شهرهای رو به گسترش درآمد و گسترش

زندگی شهرنشینی نیز بر ضرورت تولید بیشتر و متنوع‌تر انواع خودرو تأثیر نهاد.

در ایران نیز متناسب با افزایش ارتباط خارجی و توسعه زندگی شهرنشینی، مورد استفاده اتومبیل به عنوان یک کالای لوکس و سپس با تأخیر نسبتاً طولانی به عنوان یک کالای ضروری مشهود است. براساس اطلاعات موجود، مظفرالدین شاه اولین پادشاهی بود که اقدام به خرید اتومبیل کرد. او در نخستین سفرش به فرنگ، دستور خرید اتومبیل مورد علاقه‌اش را صادر می‌نماید و سعدالدوله وزیر مختار ایران در بلژیک را مسؤول این امر می‌گرداند. به هر حال اتومبیلی با سلیقه شاه ایران خریداری و به همراه راننده بلژیکی که به همین منظور استخدام شده بود، از راه دریا ارسال می‌گردد تا قبل از مراجعت شاه به پایتخت، او سوار بر این اتومبیل وارد تهران شود. هرچند که این اتومبیل اولین خودرو وارد شده به خاک ایران نبود اما تمایل و رغبت شاه به اتومبیل، موجب ترغیب سایرین به خصوص متمولان و دربار ایران به خرید اتومبیل جهت ابراز برتری

اجتماعی گردید. عدم وجود راههای مناسب برای تردد خودروها در ایران و حتی در تهران، قیمت نسبتاً بالای اتومبیل و آشفتگیهای مالی و اقتصادی ایران آن روز، از جمله موانع عمده ورود خودرو به میزان زیاد در عهد قاجاریه بود. واردات خودرو به ایران پس از سال ۱۳۰۰ با توجه به افزایش ارتباط بینالمللی و بهبود راههای مواصلاتی تا حدودی رشد یافت اما رشد بیشتر روند واردات خودرو مربوط به سالیان پس از جنگ جهانی دوم بود، به طوری که براساس آمار و ارقام موجود واردات خودرو به ایران طی سال ۱۳۳۴ بالغ بر ده هزار دستگاه خودرو با ارزش دو میلیارد و دویست و پنج میلیون ریال بوده است.

تولید اتومبیل به صورت مونتاژ

از سال ۱۳۳۷ به دنبال افزایش روز افزون تقاضای خرید خودرو، اندیشه ساخت اتومبیل البته به صورت مونتاژ در کشور نضج گرفت، اما اقدامات عملی در این زمینه با صدور تصویبنامه‌ای در سال ۱۳۴۲ از سوی وزارت اقتصاد در خصوص چگونگی شرایط صدور پروانه

ساخت خودرو صورت پذیرفت. پس از صدور تصویب نامه مزبور افرادی با مشارکت برخی از شرکت های خودروساز خارجی تقاضای صدور پروانه تأسیس شرکت سهامی تولید خودرو. رانمودند. از تقاضای پذیرفته شده در آن زمان می توان به صدور پروانه تأسیس برای شرکت های ایران ناسیونال (ایران خودروی فعلی) شرکت سهامی ایران تولید اتومبیل های سیتروئن (سایپای فعلی) و جنرال موتورز ایران (پارس خودرو فعلی) اشاره نمود.

تأسیس شرکت سهامی ایران

تولید اتومبیل های سیتروئن

شرکت سهامی ایرانی تولید اتومبیل های سیتروئن در سال ۱۳۴۴ در زمینی با مساحت ۲۴۰ هزارمتر مربع و زیربنای ۲۰ هزار متر با سرمایه اولیه ۱۶۰ میلیون ریال تأسیس گردید. این شرکت در تاریخ ۱۵ اسفندماه ۱۳۴۵ تحت شماره ۱۳۳۱ در اداره ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی تهران ثبت و در اواخر ۱۳۴۷ با شماره پروانه ۳۲۱۰۹ با مشارکت شرکت سیتروئن فرانسوی به مرحله بهره برداری رسید.

به موجب پروانه تأسیس صادره از سوی وزارت اقتصاد در سال ۱۳۴۴ با تأسیس کارخانه ساخت و بهره برداری اتومبیل سواری بیابانی به ظرفیت سالیانه چهار هزار و پانصد دستگاه و پس از اجرای کامل ضوابط ساخت تولید در حد نیازمندی‌های بازار موافقت گردیده است.

همچنین مبتنی بر اساسنامه اولیه، شرکت دارای تابعیت ایرانی و با موضوع تولید انواع اتومبیل‌های سیترون و لوازم و قطعات یدکی آنها در ایران طبق اجازه و امتیازی که از طرف شرکت سهامی آندره سیتروئن فرانسه و شرکت واگذار شده و فروش مصنوعات مزبور و هرگونه اعمال بازرگانی و صنعتی دیگر که به نحوی از انحاء به طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع شرکت مربوط و یا آن را تسهیل نماید شروع به فعالیت نمود.

به هر حال با صدور پروانه تأسیس و تعیین اعضای هیئت مدیره شرکت فعالیت خود را در اواخر سال ۱۳۴۵ به صورت رسمی آغاز نمود. تهیه زمین، احداث نخستین سالن تولید (سالن بدنه و رنگ فعلی)،

تهیه و تدارک لوازم مورد نیاز و تقاضای ثبت علامت به همراه کلمه SAIPAC (سیپاک) که مأخوذ از عبارت فرانسوی نام شرکت

Cociete Annonyme Inranienne De Production
Automobile Citroen

بود و همچنین تقاضای ثبت کلمه ژیان برای انواع اتومبیل‌های تولیدی (هرچند که بعدها کلمه ژیان به یک نوع از محصولات شرکت اطلاق

گردید). و... از جمله اقداماتی بود که تا سال ۱۳۴۷ یعنی زمان بهره

برداری از شرکت صورت گرفت. اولین تولیدات شرکت که با روشی

کامل‌دستی و بدون به کارگیری تجهیزات مدرن در نیمه دوم سال

۱۳۴۷ تولید و روانه بازار گردید، شامل اتومبیل وانت ژیان با نام

اختصاصی «آکا» و خودرو سواری ژیان با نام اختصاصی «ژیان»

بود. تولید آکا تنها تا سال ۱۳۵۰ ادامه داشت و به طور مجموع ۱۰۳۵

دستگاه آکا در طول سه سال تولید و روانه بازار شد. اما تولید ژیان

سالیان متمادی ادامه داشت و هر ساله با افزایش تولید مواجه شد، به

خصوص از سال ۱۳۵۳ با توجه به نصب و راه اندازی ابزارهای

بنیادی و سایر لوازم و امکانات مورد نیاز تولید این خودرو سیر

صعودی یافت و در طول ۱۳ سال تولید این خودرو یعنی تا سال ۱۳۵۹ تعداد ۹۹۱۲۹ هزار دستگاه ژیان تولید گردید.

اتومبیل مهاری، خودروی دیگری بود که تولید آن از سال ۱۳۵۰ در شرکت سهامی ایران تولیداتومبیل‌های سیتروئن آغاز و در طی هشت سال تولید (تا پایان سال ۱۳۵۷) مجموعاً ۱۰۵۸۴ دستگاه مهاری تولید و روانه بازار گشت. از دیگر تولیدات این شرکت می‌توان به تولید

انواع خودروی پیکاب در چهار مدل معمولی، مسقف، دولوکس و کار اشاره نمود. تولید خودروی بسیار سبک با جنس بدنه فایبرگلاس، محصول دیگری بود که تنها طی دو سال ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ تولید آن در شرکت ادامه داشت که امروزه می‌توان برخی از انواع نخستین

تولیدات شرکت سایپارا در سطح شهر ملاحظه نمود.

تغییر نام شرکت

در مورخ ۵۴/۲/۳۰ عنوان شرکت با حذف کلمه سیتروئن از انتهای عبارت فرانسوی آن به «شرکت سهامی ایرانی تولید اتومبیل» تغییر

یافت و نام سایپا SAIPA از جمع حروف اول عبارت فرانسوی عنوان

شرکت اخذ گردید.

Cociete Annonyme Inranienne De Production
Automobile

تولید رنو ۵

با توجه به لزوم جایگزینی خودروی مناسبتر به جای ژیان که از

تکنولوژی به روزتری برخوردار باشد مسئولین وقت شرکت اقدام به

انعقاد قراردادی با شرکت رنو به منظور تولید این خودرو در ایران

گرفتند. لذا یکی از محصولات عمده تولید شده در این شرکت خودرو

«رنو ۵» بود که تولید ۳ در آن از سال ۱۳۵۵ در شرکت سایپا آغاز

گردید و سپس مدل ۵ درب آن تا سال ۱۳۷۲ ادامه داشت. در این سال

با جایگزینی اتومبیل کلاس کوچک «پراید»، عملاً تولید رنو در شرکت

سایپا متوقف گردید و خط تولید این خودرو به شرکت پارس خودرو

(یکی از اعضای گروه خودروسازی سایپا) منتقل گشت.

تولید انواع پراید

از سال ۱۳۷۱ با توجه به بررسی‌های انجام شده و گزارش‌های تکمیلی که حاوی توجیه فنی و اقتصادی لازم بود جایگزینی خودرویی برتر با تکنولوژی روز و قیمت مناسب احساس گردید. لذا تولید «پراید» با نام‌های ایرانی نسیم و صبا در دو مدل ۵ و ۴ از سال ۱۳۷۲ پس از انعقاد قراردادی با شرکت کیاموتور کره آغاز گردید. نکته حایز اهمیت در تولید «پراید» روند رو به رشد ساخت داخلی قطعات این خودرو می‌باشد. در حالی که در بدو تولید این محصول در ایران اکثر قطعات آن از خارج وارد می‌شود، امروزه با تلاش مستمر متخصصین داخلی شاهد ساخت بیش از ۸۵٪ کل قطعات این خودرو در ایران هستیم. همچنین با تغییرات به عمل آمده بر روی شکل ظاهری این محصول توسط مرکز تحقیقات و نوآوری خودرو شرکت سایپا مدل‌های جدیدی از پراید طراحی گردید که در این میان می‌توان به مدل پراید استیشن با نام اختصاصی «نسیم سفری» از سال ۱۳۷۷ به بازار عرضه گردیده است. و مدل‌های دیگر چون «پراید لیفت‌بک»، «پراید فیس لیفت» اشاره نمود.

تولید انواع نیسان

از سال ۱۳۶۲، وانت نیسان جونیور نیز با حجم موتور ۲۰۰۰ سی سی

جزو تولیدات شرکت سایپا قرار گرفت و از سال ۱۳۶۴ امتیاز ساخت

این وانت از شرکت زامیاد خریداری و تولید این خودرو در انحصار

شرکت سایپا واقع شد. در سال ۱۳۶۹ به منظور افزایش قدرت این

اتومبیل، با استفاده از تکنولوژی پیشرفته تر موتور جونیور با حجم

۲۴۰۰ سی سی جایگزین موتور قبلی گشت. طراحی، ساخت و عرضه

وانت نیسان دو کابین از سال ۱۳۷۱ و اعمال تغییراتی در اطمینان

این خودرو به منظور افزایش کیفیت آن در سال ۱۳۷۳ از

فعالیت های دیگر شرکت سایپا بود و سرانجام در اواخر ۱۳۷۶ با توجه

به خرید ۵۱٪ از کل سهام شرکت زامیاد توسط شرکت سایپا و الحاق

این شرکت به گروه خودروسازی سایپا، خط تولید این محصول

مجدداً به شرکت زامیاد منتقل گردید.

تولید انواع خودرو کلاس متوسط

در سال ۱۳۷۱ با نصب تجهیزات تولید خودروی کلاس متوسط در سالن‌های تولید، تولید خودرو «رنو ۲۱» با همکاری شرکت رنو فرانسه و با حجم موتور ۱۷۲۱ آغاز گردید اما هنوز دو سال از تولید این خودرو نگذشته بود که طرف فرانسوی خواهان افزایش قیمت محصول از سوی مدیران شرکت عملاً قرارداد تولید رنو ۲۱ فسخ این خودرو در ایران خاتمه یافت.

به منظور انتخاب و جایگزینی خودرو سواری کلاس متوسط دیگری به جای «رنو ۲۱» پس از بررسی و پیگیری‌های لازم و مطالعات فنی و اقتصادی، خودرو سواری «زانتیا» از محصولات شرکت سیتروئن بر مبنای شرایط قرارداد تراز ارزی مطرح و در بهمن ماه سال ۱۳۷۸ قراردادی بین شرکت سایپا و شرکت سیتروئن فرانسه منعقد گردید که براساس آن در مرحله نخست و ظرف یک سال شرکت سیتروئن ۱۳ هزار و ۵۰۰ دستگاه خودروی تولیدی سایپا را خریداری خواهد کرد. همچنین شرکت سیتروئن متعهد گردیده است که قالب‌ها و ابزار

و تجهیزات مربوط به قطعات بدنه و وسایل تزئینی خودرو را به تدریج به سایپا منتقل نماید.

با انعقاد این قرارداد، شرکت سایپا به عنوان پایگاه اصلی صادرات خودرو ستروئن به کشورهای تازه استقلال یافته و حوزه خلیج فارس عمل خواهد کرد و می تواند تولیدات خود را در سایر کشورها همچون کشورهای ترکیه، روسیه و اوکراین نیز صادر کند.

لازم به ذکر است عنوان تراز ارزی در قرارداد فو بدین معناست که طرف فرانسوی موافقت نموده به جای دریافت ارز محصولات تولیدی شرکت سایپا را دریافت کند. به عبارت دیگر مجموع خرید سایپا از طرف فرانسوی معادل خریدی است که سیتروئن از سایپا خواهد داشت. بدیهی است انعقاد چنین قراردادی حاکی از حرکت جدی در عرصه صنعت خودروسازی کشور است که با سرمایه گذاریهای عدیده، به کارگیری دانش و فن آوریهای نوین، و... هر روز بالنده تر خواهد شد.

در سال ۱۳۷۷ با توجه به سیاست‌های جدید سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایرانی مبنی بر تمرکز بیشتر در فعالیت‌های صنعت خودروسازی کشور، استفاده بهینه از امکانات موجود در مجموعه شرکت‌های تحت پوشش سازمان، ایجاد رقابت و... وزارت صنایع زمینه‌های ادغام مجموعه‌های خودروسازی را در قالب دو گروه بزرگ خودروساز ایجاد و تحت عناوین:

۱. گروه خودروسازی سایپا

۲. گروه خودروسازی ایران خودرو

متمرکز نمود. امروزه گروه بزرگ خودروسازی سایپا با بیش از ۷۷ شرکت وابسته و با در اختیار داشتن سهم عمده‌ای از بازار داخلی خودرو یکی از قطب‌های بزرگ صنعت خودروسازی ایران را تشکیل می‌دهد. به طوری که ۱۰۰ درصد سهام شرکت‌های سایپا یدک، قالب‌های بزرگ‌صنعتی سایپا، آیتسکو، اس‌سی‌تی (SCT)، سازه گستر، مؤسسه فرهنگی ورزشی سایپا، نمادسازه خودرو، شیشه ایمنی، سایکو، سایپا پرس، رایان سایپا، تولید رینگ سایپا، مرکز

تحقیقات و نوآوری خودرو سایپا، سایان توسعه سرمایه‌گذار، سایان الکترونیک، خدمات بیمه‌ای رایان‌سایپا، سایان اعتبار و شرکت مهندسی و بازرگانی تأمین و جمع‌آوری و بسته‌بندی سایپا. همچنین بیش از ۵۰ درصد سهام ۱۵ شرکت و سهام ۴۲ شرکت را با کمتر از ۵۰ درصد به خود اختصاص داده است.

استراتژی و برنامه‌های گروه خودروسازی سایپا

گروه خودروسازی سایپا به منظور تبدیل شدن به یک خودروساز بین‌المللی، با تشکیل شورای برنامه‌ریزی استراتژیک در سال ۱۳۷۶ و با عضویت مدیران عامل شرکت‌های عمده تحت پوشش، مشاورین مدیر عامل، معاونین شرکت، و جمعی از اقتصاددانان با ریاست مدیریت عامل شرکت سایپا، برنامه بلند مدتی را در سه مرحله با فواصل زمانی معین به جهت انطباق با برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصاد کشور به ترتیب ذیل:

(۱) برنامه‌های کوتاه مدت (از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳):

شامل برنامه‌هایی که از قبل به مرحله اجراء درآمده و باید برای تثبیت و نهادینه کردن آنها اقدام نمود.

۲) برنامه‌های میان مدت (از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰):

شامل برنامه‌هایی که مبانی و مقدمات آن وجود دارد و برای اجرای آن باید تلاش بیشتر نمود.

۳) برنامه‌های بلند مدت (از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰):

شامل استراتژی‌هایی که فعلاً در دسترس نیستند و جهت اجرای آن باید مقدمات و امکاناتی فراهم نمود. که برخی از محورهای اصلی برنامه به شرح ذیل می‌باشد:

۱) تبدیل شدن به خودروساز بین‌المللی با تنوع تولید انواع خودرو

۲) بهبود کیفیت خودروهای ساخته شده در حد استانداردهای جهانی به منظور حفاظت از محیط‌زیست و سلامت و رفاه بشری

۳) مشتری‌گرایی و کسب رضایت مشتریان از طریق بهبود کیفی، افزایش امکانات خودروها، تنوع محصولات تولید شده و گسترش

خدمات بعد از فروش

۴) توسعه صادرات با توجه به ظرفیت‌های موجود در بازارهای جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای میانه و حوزه خلیج فارس

۵) انعقاد قراردادهایی مبتنی بر تراز ارزی با خودروسازان معتبر بین‌المللی به منظور راه‌یابی در شبکه بازارهای جهانی خودرو

۶) کاهش ارزبری واحد محصول با تأکید بر توانایی طراحی و ساخت کلیه قطعات خودرو در داخل کشور

۷) برنامه‌ریزی برای تأمین و اعتلای سطح توانایی‌های نیروی انسانی به عنوان اصلی‌ترین عامل رشد و توسعه

۸) اصلاح ساختار سازمانی گروه و دست‌یابی به اصول جدید مدیریت

۹) متمرکزسازی و استفاده از حداکثر ظرفیت‌های موجود

۱۰) خصوصی‌سازی گروه سایپا

ناگفته پیداست که دست‌یابی به برنامه‌های فو و ایجاد زمینه‌های ورود فعالانه به عرصه بازار رقابتی خودرو در سطح جهانی، نیازمند

افزایش ظرفیت‌ها و توانایی‌ها در کلیه موارد اعم از طراحی،

قطعه سازی، پشتیبانی و... است. بر این اساس گروه خودرو سازی سایپا با سرمایه کلان به منظور دستیابی به آخرین فن آوری ها و پیشرفت ها پروژه هایی را تعریف نموده که برخی از آنها عبارتند از:

۱. احداث سالن رنگ جدید
۲. احداث سالن های جدید مونتاژ
۳. طراحی و ساخت و راه اندازی خط تولید خودروی جدید کاروان

(ون)

۴. توسعه تولید شیشه ایمنی خودرو سایپا
۵. احداث کارخانه رینگ فولادی انواع خودروهای سایپا
۶. توسعه کارخانه کمک فنر سازی ایندامین سایپا

۷. طراحی و تولید پراید انژکتوری

۸. احداث و تجهیز مرکز تحقیقات و نوآوری

۹. احداث کارخانه شاتون سازی

۱۰. و...

روز اول و دوم از کارآموزی:

در روز اولی که وارد شرکت شدم شروع به کارهای اداری مربوطه برای گرفتن کارت ورود و خروج و کارت ساعت زنی و معرفی کردن اینجانب از طرف واحد آموزش شرکت سایپا به استادکار مربوطه اینجانب شدم.

بعداً از انجام کارهای اداری شروع با بازدید قسمتهایی از شرکت که اجازه ورود به آنها را داشتم کردم. این شرکت دارای قسمتهای مختلفی بود که هر یک به انجام وظایف مربوط به خود برای انجام هدف نهایی که همان تولید خودرو می باشد بودند.

اولین قسمتی که من وارد آنجا برای بازدید شدم انبار CKD بود البته شرکت سایپا دارای انبارهای زیادی می باشد اما بزرگترین انبار که انبار ابتدایی می باشد و کلیه وسایل ابتدا وارد آنجا شده و از آنجا به انبارهای دیگر پخش می شود.

این انبار با مترای بسیار بالا که اجناس در لاینهایی که هر لاین از طبقات زیادی تشکیل شده جمع آوری می شود البته این انبارها از نظر موقعیت محدوده ای در سایپا نزدیک به قسمتی می باشد که ورود

قطعات از بیرون شرکت به آنجا راحت باشد و خود انبار دارای سیستم ضدحریق نیز می باشد.

در روز دوم به بازدید قسمت جوشکاری بدنه خودرو و سالن رنگ رفتیم. در قسمت بدنه خودرو که سالن شاتل نام دارد قسمتهای مختلف بدنه خودرو از یک سمت وارد شده و این قطعات توسط دستگاه روی هم سوار شده و توسط رباط و یا نیروی انسانی به واسطه جوشکاری به هم متصل شده و تشکیل بدنه خام خود را می دهند. این بدنه توسط لیفتراک به قسمت رنگ خودرو منتقل می شوند در این قسمت توسط رباط یا حوضچه رنگ آسترزنی می شود و بعد به داخل حوضچه رنگ رفته و بدنه خودرو رنگ می شود و بعد توسط کارکنان این قسمت رنگ خودرو توسط دستگاه پولیش زده می شود تا رنگ کاملاً مناسب فراهم آید بعد از این مرحله دوباره بدنه توسط لیفتراک به قسمت مونتاژ که سالن تزئینات می باشد منتقل شده.

در روز سوم همراه با یکی از پرسنل این شرکت که با خط آشنایی کامل داشت شروع به بازدید خط کردیم که در این سالن بدنه خودرو

از یک سمت وارد شده و بر روی ریل که همان خط کاموایر می باشد قرار می گیرد و کلیه لوازم جانبی و اصلی که یک خودرو نیاز به آنها دارد بر روی بدنه خودرو نصب شده و خودرو تکمیل شده و به قسمت تنظیمات می رود که این تنظیمات عبارت بود از زاویه چرخها و تنظیمات موتور و تست های سرعت و ترمز و تنظیمات نور چراغها و... می باشد. بعد از این مرحله خودرو به قسمت کارواش رفته و بدنه آن شسته شده و به قسمت کنترل کیفی که وظیفه آن بررسی و کنترل دقیق کیفیت خودرو می باشد می رود که قسمت رنگ خودرو موتور خودرو و لوازمی مثل چراغها، کمربند ایمنی و شیشه بالابرها و دیگر قسمت های خودرو مورد بررسی قرار می گیرد و اگر نقصی در آنها دیده شود رفع شده و خودرو برای تجاری شدن وارد پارکینگ می شود. در روز چهارم برای یادگیری بیشتر و با اجازه استادکار آموزشی خود در داخل سایپا، در سالن مونتاژ شروع به کار البته به صورتی که از هر کاری یکبار انجام بدهم تا بهتر آموزش ببینم به بخش تزئینات رفتم.

الف: بخش اول تزئینات:

جلسه چهارم

بستن منبع شیشه شور و سیم کشی چراغهای جلوی اتومبیل و بو و آنتن باموتور برقی و زبانه‌های درب و اتصال روکش سقف به سقف. ابتدا منبع شیشه شور و پایه تقویتی رادیاتور و لوله‌ای که سیم مربوط به درب کاپوت از آن رد می‌شود و جعبه حاوی بستها و سیم‌های مربوط را به جلوی ماشین می‌بریم و لوله شیشه‌شور را به بدنه وصل کرده و لوله را به شیشه‌شور وصل می‌کنیم. سپس گردگیرها را از جعبه درآورده و آن را به جلوی اتومبیل وصل می‌کنیم.

بعد سیمی که خاکستری است را از آن سر که دارای دو کانکت است از محل مربوطه از طرف اتوارد جلوی اتومبیل کرده و محل لاستیکی مربوط را جا می‌زنیم و لوله عبور دهنده سیم کاپوت را به جلوی اتومبیل وصل می‌کنیم.

سپس رله سه تایی و سیم مربوط را به هم وصل کرده و آن سیم و سیم درب کاپوت و سیم دیگری که از قبل وجود داشت را بوسیله بستهای موجود از سمت راست به سمت چپ اتومبیل می کشیم.

در انتها نیز دو قرقره مربوطه به رادیاتور را در محل های مربوطه بسته و لوله رادیاتور را نیز به آن وصل می کنیم. کار در این قسمت بسیار زیاد و سخت بوده و از عهده یک نفر خارج است.

روکش سقف بوسیله هفت عدد بست به سقف وصل می شود. سپس آنتن از بالا بوسیله فنر در محل خود جا می خورد و موتور آنت بوسیله بر به آنتن وصل می شود. در انتها نیز زباله های درب که هرکدام دارای دو پیچ است در محل خود به ستون های اتومبیل وصل می شود.

مشکل این قسمت ایراد مهره های موجود در داخل ستونها که زباله ها به آن وصل می شود، می باشد که سرعت کار را می گیرد.

جلسه پنجم

اتصال پدال ترمز و کلاچ، بوستر ترمز، سیم کلاچ، چهارشاخ فرمان و میل فرمان بستن قفل مرکزی شیشه‌ی بالابرهای دربهای عقب و جلو کارهایی بود که در این جلسه انجام دادیم.

ابتدا سیم کلاچ را به روغن آغشته کرده و از جلوی اتومبیل وارد اتا می‌کنیم.

سپس پدالها را جا زده و یکی از پیچهای آنرا می‌بندیم بعد بوستر ترمز را جا زده و به داخل اتا اتومبیل می‌فرستیم ابتدا پیچهای تقویتی پدالها و سپس چهار مهره‌ی بوستر را بسته و بالاخره مهره‌های تقویتی پدالها را می‌بندیم.

بعد سیم ترمز را بوسیله‌ی پین و اشیپیل به پدال ترمز وصل می‌کنیم.

بعد سیم کلاچ را در محل خود جا می‌زنیم.

حال چهارشاخ فرمان را جا می‌زنیم و مهره‌ی آن را بسته و ۱۸۰ می‌چرخانیم سپس میل فرمانی را بر روی چهار شاخ فرمان گذاشته و مهره‌ی اتصال میل فرمان به چهارشاخ فرمان را می‌بندیم.

پیچها و دو مهره اتصال فرمان را می‌بندیم و سپس سر پیچ را جا می‌زنیم.

و در انتها سویچ را در محل خود روی میل فرمانی قرار داده و پیچهای آنرا می‌بندیم.

ابتدا دسته سیم مربوط به قفل مرکزی را از داخل درب به بیرون هدایت کرده و به داخل ستون می‌فرستیم.

سپس پلاتین مربوط به قفل درب را وارد قسمت داخلی درب کرده و یکی از پیچهای آنرا می‌بندیم.

دستگیره درب را نیز از بیرون نگه داشته و مهره‌های آنرا می‌بندیم. میله قفل کننده درب را نیز در محل خود گذاشته و پس از قرار دادن

قفل مرکزی در محل خود میله قفل درب و پلاتین و قفل مرکزی را به هم اتصال می‌دهیم.

در انتها نوار لاستیکی دور درب را نصب کرده و شیشه مثلثی را جا می‌زنیم و شیشه بالابر را وارد قسمت داخلی درب می‌کنیم و سپس

شیشه را از بالا وارد کرده و آنرا به شیشه بالابر وصل می‌کنیم حال

ناودانی را در محل خود با نوار لاستیکی اتصال داده از کنار شیشه وارد بدنه اتومبیل می‌کنیم و کمی شیشه را بالا می‌کشیم و پیچها و مهره‌های نصب شده را کاملاً محکم می‌کنیم.

بستن درب جلو
درب جلو نیز مانند درب عقب می‌باشد فقط دربهای جلو در پراید چون با شیشه‌بالابرهای برقی کار می‌کنند، بجای شیشه‌بالابر دستی، شیشه‌بالابر برقی قرار داده و شیشه را به آن اتصال داده‌با دو پیچ آنرا در جای خود ثابت می‌کنیم.

و تفاوت دیگر اینکه درب جلو شیشه مثلثی ندارد.

جلسه ششم:

بستن تاپیت عقب، ضربه‌گیر جلوی کاپوت و هواکش باک بنزین.
تاپیت عقب را از زیر کمربندها رد کرده و آنرا روی سینی عقب گذاشته و با ۸ عدد بست آنرا در محل خود ثابت می‌کنیم.
دو عدد ضربه‌گیر نیز با حرکت چرخشی در قسمت جلوی اتومبیل جا

یم زنیم.

و هواکش باک را نیز به یک عدد پیچ و یک عدد مهره در داخل صندوق

عقب نصب کرده و شیلنگهای آنرا به بیرون هدایت کرده و به لوله‌های

باک نصب می‌کنیم که یکی از آنها آزاد می‌ماند که در هنگام بنزین

زدن بنزین به خارج باک نریزد.

وقت دوم را در این جلسه به بستن کولر و بخاری مشغول بودیم.

ابتدا کانکتهای ارسال بر کولر را وصل کرده سپس دو لولهٔ مربوط به

عبور گاز کولر را از داخل به بیرون هدایت می‌کنیم و مهره‌های آنرا

می‌بندیم سپس پدال گاز را نصب کرده و سیم گاز را به پدال گاز

وصل می‌کنیم.

سپس دو لولهٔ مربوط به انتقال آب بخاری را از داخل اتا به بیرون

هدایت کرده و با زانوی خودبخاری را نگه می‌داریم و مهره‌های آنرا

می‌بندیم و کانکتهای آنرا وصل می‌کنیم و در انتها لوله‌های انتقال

حرارت به زیر شیشهٔ جلو را می‌بندیم.

حال به جلوی اتومبیل رفته و سیم اتصال به زمین و اتصال به بدنه و پیچهای آنرا می بندیم و شلنگهای انتقال آب بخاری را به لوله های آن وصل کرده و بستهای آنرا محکم می کنیم.

جلسه هفتم:

بستن اکسل عقب و اتصال سیم ترمز دستی به آن و بستن باک بنزین و دیاقها

اکسل عقب را بوسیله بالابر بروی گاری ورودی ریل قرار داده و زمانی که گاری حامل اکسل روی دستگاه مربوط به جا زدن اکسل و زیر اتومبیل رسید بوسیله بالابر و با کمک فرد دیگری اکسل را به زیر اتومبیل برده و با کمک دو میله ابتدا کمک فنرها را عقب گرفته و اکسل را در محل مربوط جا می زنیم.

پیچهای اکسل را با آچارهای مربوط می بندیم لوله های روغن ترمز را با آچار لوله گیر می بندیم و اشپیل آنرا جا می زنیم سپس سیم ترمز دستی را به اکسل می بندیم و دو سر سیم ترمز دستی را بوسیله خار به اهرم کاسه چرخ اتصال می دهیم.

در انتها کمک فنر را به اکسل در محل مربوط جا می‌زنیم و با پیچ‌های مربوطه می‌بندیم.

برای بستن باک ابتدا لوله‌های ورودی و خروج بنزین و لوله اصلی ورودی بنزین را آغشته به گریس کرده و باک را زیر ماشین می‌آوریم سپس سیم ترمز دستی و لوله عبور روغن ترمز را کنار زده و انتهای باک را جا می‌زنیم. سپس یکی از پیچ‌های باک را کمی با دست می‌بندیم و سه عدد پیچ دیگر برداشته با آچار تمامی پیچ‌ها را ابتدا شل بسته و سپس محکم می‌کنیم سپس سیم ترمز دستی را به باک می‌بندیم.

و در انتها لوله‌های بنزین را جا زده و بستهای آنرا جا انداخته و محکم می‌کنیم.

در قسمت دوم امروز مشغول بستن دیاق‌های سپر جلو و پیچ‌های مربوط به سپر جلو و سپر عقب بودیم.

ابتدا دیا راست و سمت چپ را بسته و سپس پیچ‌های مختلف زیر سپرها را می‌بندیم.

در این قسمت‌ها بجز سختی نگه داشتن باک مشکل دیگری وجود نداشت.

جلسه هشتم:

بستن کمپرسور کولر و شعله پوش یا حرارت‌گیر روی مانی فولد دود و بستن‌اگروز

ابتدا حرارت گیر را روی مانی فولد دود قرار داده و سپس با ۴ عدد پیچ آنرا کاملاً به مانی فولد دود وصل می‌کنیم.

سپس پیچ کنار پولی میل‌لنگ را باز کرده و پایه کمپرسور را در کنار پولی میل‌لنگ قرار می‌دهیم.

بعد قرقره را در بالای پایه کمپرسور و کنار پولی بادامک قرار داده و

با ۴ عدد پیچ آنرا به بدنه‌موتور وصل می‌کنیم و سپس پیچهای پایه

کمپرسور را محکم کرده و یک عدد کمپرسور و یک عدد تسمه برداشته

و کمپرسور را روی پایه قرار داده پیچهای آنرا یم بندیم سپس تسمه

را روی پولی‌های کمپرسور و قرقره و میل‌لنگ قرار داده و پیچهای

قرقره را طوری تنظیم می‌کنیم که تسمه سر جای خود محکم شود و به اندازه ۹ میلی متر جای بازی داشته باشد.

برای بستن اگزوز ابتدا کاتالیست کانورتور را بوسیله دو واشر به لوله اگزوز وصل می‌کنیم سپس لوله اگزوز را برداشته به زیر اتومبیل می‌رویم لوله اگزوز را از بالای اکسل عقب رد کرده و بوسیله دو عدد فنر و پیچ به گلویی اگزوز وصل می‌کنیم و سپس لوله اگزوز را با ضربه‌گیرها وصل می‌کنیم.

و با میله خمیده دیگری لوله اگزوز را به دو لاستیک گوشواره‌ای وصل می‌کنیم و میله خمیده را با واشر نسوز و پیچ به لوله اگزوز می‌بندیم و در انتها منبع اگزوز را در محل خود در انتهای لوله اگزوز جا زده و آنرا نیز به لاستیکهای ضربه‌گیر وصل می‌کنیم و پیچهای آنرا می‌بندیم یعنی لوله اگزوز را به منبع اگزوز وصل می‌کنیم.

جلسه نهم:

بستن پلوسهای جلو و شلنگهای رفت و برگشت آب و شلنگهای

ورودی بنزین و چرخ دنده کیلومتر شمار:

ابتدا پیچهای استارت و دینام را محکم کرده و دو عدد پیچ به گیربکس می بندیم سپس پلوسها را جا می زنیم باید توجه شود که پلوس چپ با پلوس راست فر می کند سپس گیربکس را پر از واسگازین کرده و چرخ دنده کیلومتر شمار و پیچ آنرا می بندیم. سپس شیر برقی کاربراتور را آغشته به روغن کرده و به کاربراتور می بندیم بعد شلنگهای رفت و برگشت آب به کاربراتور و شلنگ بنزین به کاربراتور را در محل خود جا زده و بستهای آنها را می بندیم.

ج: قسمت نهایی

جلسه دهم:

قرار دادن زاپاس و بستن کاورها چراغهای عقب و پیچهای کمک فنر

و بستن سینی باک و پارکابی ها

ابتدا کاورها مربوط به چراغ عقب را که در سمت چپ و راست صندوق

عقب قرار دارند می بندیم سپس یک عدد لاستیک زاپاس درون صندوق

عقب قرار داده و پیچ آنرا نیز می بندیم. بعد بستهای کمک فنر را که در

مراحل قبل به منظور جلوگیری از در آمدن کمک فنر به کمک فنر وصل

شده در آورده و یک عدد لاستیک ضربه گیر و دو عدد مهره به هر کدام از کمک فنرهای چپ و راست می بندیم و با آچار آنها را کاملاً محکم می کنیم.

در قسمت بعد ابتدا لوله های فشار قوی و فشار ضعیف بنزین را با بستهای ۱۰۰۰ و ۹۰۰ بسته و کانکشن مربوط به آمپر بنزین در باکهای موتور کاربراتوری و کانکشن مربوط به پمپ بنزین در موتور انژکتوری را بسته و سینی باک را در محل خود قرار داده و ۴ عدد پیچ آنها را می بندیم سپس کفپوش اتومبیل را پهن کرده و دو عدد پارکابی یکی برای رکاب راست - عقب و دیگری برای رکاب چپ - عقب رکاب می بندیم.

جلسه یازدهم

بستن چراغهای جلو (بزرگ و کوچک)

ابتدا چراغهای کوچک و بزرگ قسمت چپ و راست را برداشته روی موتور قرار می دهیم سپس ۲ عدد براکت (پایه چراغ) برداشته آنها را در محل خود با پیچ می بندیم سپس کانکشنهای چراغ کوچک و بزرگ

سمت چپ و راست را جا می‌زنیم بعد چراغ بزرگ سمت راست را در محل خود قرار داده و با ۳ عدد پیچ آنرا در جای خود ثابت می‌کنیم بعد همین کار را برای چراغ بزرگ سمت چپ انجام می‌دهیم و در انتها خار فانوسیهای چراغهای کوچک را جا زده و چراغهای کوچک را با زدن ضربه در محل خود کنار چراغهای بزرگ جا می‌زنیم و با یک عدد پیچ آنرا سر جای خود ثابت می‌کنیم.

بستن تخته جداکننده، بلندگوهای عقب و چراغ استپ

ابتدا دو عدد بلندگوی سمت چپ و راست را برداشته پس از جا زدن فیش مربوطه به آن آنها را سر جای خود جا زده پیچهای آنرا می‌بندیم سپس چراغ استپ را نیز جا زده پیچهای آنها را با آچار می‌بندیم و روکش آنرا می‌اندازیم و از داخل صندوق کانکشن آنرا وصل می‌کنیم بعد چراغ داخل صندوق عقب را جا زده و روکش آنرا نیز می‌اندازیم و در انتها صفحه جدا کننده را در انتهای صندوق قرار داده با بست آنرا در جای خود ثابت می‌کنیم.

انجام کارهای پایانی قبل از بستن باطری

لوله مربوط به خلاء بوستر ترنر را از طرف کاربراتور به لوله بوستر ترنر می بندیم و بست آنرا محکم می کنیم سپس سیم کلاچ را در محل خود جا زده و مهره آنرا می بندیم بعد کانستر را جازده و لوله های رابط بین کاربراتور و کانستر را که کار آنها عبور بخار بنزیم است وصل می کنیم. کانستر بخار بنزین را در داخل خود نگهداری می کند و در هنگام استارت زدن به داخل کاربراتور می فرستد که این عمل باعث زودتر روشن شدن اتومبیل می شود.

بعد لوله های وکیوم را به وکیوم کاربراتور وصل می کنیم. سپس سیم گاز را در محل خود جازده و مهره های آنرا می بندیم. سپس سیم کیلومتر شمار را در محل خود به گیربکس وصل کرده و

لوله های ورود و خروج آب به بخاری را نیز وصل می کنیم. و در انتها بستهای مربوطه را جا می زنیم که کارایی بستها جلوگیری از حرکت کردن شلنگها و لوله ها و در آمدن آنها در هنگام کار کردن موتور و در فشار بالا می باشد.

جلسه دوازدهم:

بستن رادیاتور

ابتدا شلنگهای مربوط به ورود و خروج آب رادیاتور را وصل کرده

بستهای آنرا می بندیم سپس رادیاتور را در محل خود قرار داده آنرا

به سمت پایین فشار می دهیم تا جا بیافتد بعد پایه های روی رادیاتور

را که هرکدام دارای ۲ پیچ است می بندیم سپس شلنگهای ورودی و

خروجی آب بین رادیاتور و موتور را به هم وصل می کنیم.

بعد کانکشن فن رادیاتور را وصل کرده و سیمهای مربوط به شمع

آمپر آب را به موتور وصل می کنیم سپس سیم اتصال بدنه را نیز با

یک عدد پیچ به موتور نصب کرده و در انتها بستهای شلنگهای ورود

و خروج آب به موتور و بستهای شلنگهای مربوط به بخاری را با

آچار محکم می کنیم.

بستن هواکش و دسته موتور

ابتدا دسته موتور را در قسمت چپ جا می زنیم و پیچ و مهره های آنرا

می بندیم تا از لرزش موتور در هنگام کار موتور جلوگیری شود. بعد

شابلن را از روی موتور برمی داریم، سپس کانکشن مربوط به شیر

برقی کاربراتور را جا زده و هواکش را روی کاربراتور قرار می‌دهیم
به طوریکه پیچ موجود روی کاربراتور از وسط هواکش رد شود سپس
مهره روی هواکش را بسته و پیچهای اطراف هواکش را نیز می‌بندیم
و یک عدد پایه در قسمت راست کاربراتور می‌بندیم و در انتها شلنگ
موجود روی سرسیلند را به هواکش وصل می‌کنیم.
جلسه سیزدهم:

بستن باطری و کوئل و منبع آب اضافی رادیاتور و پر کردن گاز
کولر و روغن ترمز
در این جلسه ابتدا فیوز اصلی اتومبیل را بوسیله ۲ عدد پیچ به بدنه
اتومبیل می‌بندیم سپس کانکشن کوئل را وصل کرده و سیمهای آنرا
با پیچ به کوئل می‌بندیم. بعد منبع آب اضافی رادیاتور را در کنار
گل‌گیر با پیچ می‌بندیم و لوله آنرا به رادیاتور وصل می‌کنیم.

بعد سیم اتصال بدنه را با پیچ به بدنه وصل می‌کنیم و بوسیله
دستگاه بالابر یک عدد باطری را برداشته و بروی جا باطری داخل

اتومبیل قرار می‌دهیم و بست روی باطری را می‌بندیم و در انتها سیمهای مثبت و منفی آنرا وصل کرده و پیچهای آنرا محکم می‌کنیم.

مرحله بعد، تقریباً انتهای خط تولید پرکردن گاز کولر و روغن ترمز می‌باشد که ابتدا هر دو دستگاه مربوطه را وصل می‌کنیم. شیوه کار

این دو دستگاه به این صورت می‌باشد که ابتدا عمل وکیوم (مکش) را انجام داده و در داخل هر دو سیستم ایجاد خلاء می‌کند. اگر در جایی

از سیستم‌نشستی وجود داشته باشد عمل پرکردن انجام نمی‌شود و دستگاه با بو زدن هشدار می‌دهد و ای‌اگر خلاء بصورت کامل انجام

شد گاز کولر و روغن ترمز با فشار به سیستم وارد می‌شود و پس از پر شدن با بو زدن هشدار می‌دهد که کار به اتمام رسیده

پس از این مراحل اتومبیل استارت زده شده و برای آزمایشات مختلف به قسمت رتیش بر و مکانیک و تست جاده و تست ترمز و...

فرستاده می‌شود.

در خط تولید بزرگترین اشکالات ممکن «یکنواخت بودن کار، بالا بودن سرعت و به همین دلیل از بین رفتن دقت در تولید اتومبیل،

خستگی بالای کارگران بالا بودن ساعات کار، نبودن دقت استراحت و پایین بودن کیفیت اکثر قطعاتی که در اتومبیل استفاده می‌شود» بود.

جلسه چهاردهم تا بیستم:

حضور در قسمت رتوش مکانیک:

در قسمت رتوش تقریباً تمامی اشکالات و ایرادها فنی و مکانیکی اتومبیل برطرف شده و اتومبیل برای قسمت رتوش بر و تستهای مختلف فرستاده می‌شود.

هر ماشین دارای کرات مخصوص به خود است که مسئولین کنترل کیفیت اشکالات موجود در هر ماشین را که در هنگام مونتاژ به وجود آمده با در تستهای مختلف این اشکالات دیده شده رابرویی این کارت می‌نویسند تا در قسمت رتوش مکانیک این ایرادها برطرف شود.

بعضی از کارهایی که در قسمت رتوش انجام دادم عبارتند از:
تعویض پولی میل‌لنگ: پولی میل‌لنگ تا داشت و باعث می‌شد موتور با لرزش و صدا کار کند به همین علت پولی آن تعویض می‌شد. ابتدا

پولی قرقره بر را درآورده و سپس جک سوسماری رازیر کارتر قرار داده و پیچ و مهره‌های دسته موتور را باز کردم سپس جک را پایین آورده و درمحل مخصوص بکسل در زیر اتومبیل قرار داده و جک بالا بردم سپس کاور گل‌گیر را باز کرده و با آچار بادی پیچ اتصال پولی و میل لنگ را باز کرده و با حرکت دادن پولی به چپ و راست پولی آزاد شده و از محل خود درآورده شد. بعد پولی سالم را که از روی موتور دیگری باز شده بود بصورتی که خار روی میل‌لنگ داخل شکاف پولی قرار گیرد جا زده شد و پیچ نگهدارنده نیز بسته شد و کاور گل‌گیر نیز به همین صورت.

سپس جک را دوباره پایین آورده و زیر کارتر جک زدم و دسته موتور را وصل کردم بعد تسمه‌دینام را شل کرده مهره دینام جا انداختم و مهره دینام را محکم کرده و در انتها کمپرسور کولر را به همراه ولی قرقره بستم.

تعویض شلنگ بخاری: به علت اینکه شلنگ‌های آب بخاری موتور انژکتوری روی موتور معمولی بسته شده بود باید شلنگ‌ها عوض

می شد که باز کردن بستها شلنگهای آب بخاری تعویض و درمحل خود جا انداخته و سپس بستها کاملاً محکم گردید.

تعویض رادیاتور آب: به علت شکسته شدن کانکشن فن، یکبار فن رادیاتور را عوض کردم که ۲ عدد پیچ بالایی را باز کرده و ۲ عدد پیچ پایینی را کمی شل می کنیم و شلنگ بالایی رادیاتور را باز کرده و فن بصورت کشویی از جای خود درمی آید سپس فن را تعویض کرده و آنرا جا می زنیم و پیچهای آنرا می بندیم.

نداشتن واسکازین: گیربکس واسکازین نداشت بنابراین کیلومتر شمار را باز کرده و درگیربکس واسکازین ریختم و سپس کیلومتر شمار را بستم.

تعویض بست شلنگ بنزین: بنزین از زیر سینی زیر صندلی عقب نشستی داشت که اکثراً در اتوبیل های انژکتوری به علت فشار بالای بنزین و محل بد لوله ها نشستی بوجود می آمد. به همین علت ابتدا صندلی عقب را درآورده سپس پیچهای سینی روی باک را باز کردم و سپس استارت زده و محل نشستی را پیدا می کردم بعد بست آن

قسمت را عوض کرده و بست دیگری جای آن قرار می‌دادم تا نشستی از بین برود و در آخر سینی روی باک را می‌بستم.

تعویض باک: باک انژکتوری بجای باک معمولی بسته شده بود بنابراین ماشین را روی جک قرار داده و پیچهای باک و بستهای لوله‌های باک را باز کرده و لوله‌ها را از جای خود درمی‌آوریم سپس پیچ ۱۰ ترمزدستی روی باک را باز کرده و باک را درمی‌آوریم بعد

باک را عوض کرده و پیچهای آنرا می‌بندیم و لوله‌های آنرا جا می‌زنیم و بستهای آنرا می‌بندیم و پیچ ۱۰ ترمزدستی روی باک را می‌بندیم سپس جک را پایین آورده و لوله‌های بنزین داخل اتومبیل را جا انداخته و بستهای آنرا می‌بندیم سپس کانکشن مربوط به آمپر بنزین را وصل کرده و سینی روی باک را می‌بندیم.

تعویض دلکو: دلکو شکسته بود پس باید عوض می‌شد پیچهای دلکو را باز کرده و وایرها را درمی‌آوریم سپس دلکو را درمی‌آوریم بعد دلکوی سالم را به صورتی که زائدهای بزرگ و کوچک در جای خود قرار گیرد در جای خود گذاشته و پیچهای آنرا می‌بندیم و آوانس و

ریتارد راکمی رعایت کرده تا بعداً با دستگاه تنظیم شود بعد وایرها را به صورت ۱-۳-۴-۲ که ترتیب جرقه زنی است جا می‌زنیم.

تعویض کاربراتور: ابتدا هواکش روی کاربراتور را باز کرده و سپس شلنگهای وکیوم و شلنگهای ورود بنزین به کاربراتور را درآورده و پیچهای کاربراتور باز کرده کاربراتور را تعویض می‌کنیم سپس کاربراتور جدید را جا زده، پیچهای آنرا می‌بندیم و بعد شلنگهای هوا و بنزین را جا می‌زنیم و سیم گاز را نیز جا انداخته و هواکش را روی کاربراتور می‌بندیم.

تعویض کمپرسور کولر: به علت شکستن کانکشن کمپرسور کولر، باید کمپرسور عوض شود. ابتدا پولی قرقره را درمی‌آوریم و تسمه

کولر را جدا می‌کنیم. سپس پیچهای کولر را باز کرده کمپرسور را درمی‌آوریم و آنرا عوض می‌کنیم و کمپرسور را جا می‌زنیم. پیچهای آن را بسته و تسمه و بوش و پولی قرقره را جا می‌زنیم و تسمه را تنظیم می‌کنیم طوری که به اندازه تقریباً ۹ میلی متر شل باشد و جای

بازی داشته باشد.

اینها کارهای عمده‌ای بود که جلسه چهاردهم تا بیستم انجام دادم و آموزش دیدم بعضی خورده‌کاریها نیز وجود داشت مانند رگلاژ کلاچ، هواگیری ترمز، تعویض منبع بوستر ترمز و محکم کردن پیچهای اکسلها و عوض کردن بعضی پیچهای هرز شده و محکم کردن پیچهای اگزوز و...

www.kandoo.cn.com

سیستم جرقه

ترانزیستوری

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

سیستم جرقه

شرح:

فشار کمپرس یکی از عاملهای انفجار مخلوط سوخت و هوا در داخل سیلندر می باشد. در نتیجه افزایش گازها باعث قدرت زیاد در داخل موتور می شود و این عمل آتش گرفتن توسط سیستم جرقه انجام می گیرد که جرقه شمعها باعث انفجار شده و تولید قدرت در موتور

می گردد.

نیازمندیهای سیستم جرقه:

سه رکن اصلی و اساسی برای عملکرد موتورها ضروری می باشد.

۱- فشار کمپرس بالا

۲- تایم جرقه و قدرت شمعها

۳- مخلوط مناسب

وظیفه اصلی سیستم جرقه تولید جرقه شمعها است که می تواند مخلوط سوخت و هوا را در سیلندر محتر سازد. پس شرایط زیر برای

انجام این عملیات باید ایفا گردد:

۱- یک جرقه قوی:

وقتی مخلوط سوخت و هوا در سیلندر متراکم می‌شوند، ممکن است پرش جرقه از میان هوا به سختی صورت گیرد (به این خاطر که هوا مقاومت الکتریکی است و این مقاومت وقتی که هواکمپرس شود تشدید می‌یابد.) به همین علت ولتاژ تهیه شده برای شمع باید قدرت کافی داشته باشد تا بتواند با قدرت از میان الکتروود شمع عبور نماید.

۲- تایمینگ مناسب و صحیح جرقه:

انتخاب صحیح زمان جرقه راندمان بسیار بالایی از احتراق مخلوط سوخت و هوا را به دست می‌دهد که براساس دور و بار موتور این زمان نیز متغیر بوده. (یعنی به زاویه گردش میل لنگ بستگی دارد)

۳- توانایی کافی:

اگر سیستم جرقه معیوب و یا عمل خود را نتواند انجام دهد موتور از کار خود باز می‌ماند. سیستم جرقه باید توانایی کافی و مطمئن از نظر ارتعاشات وارده و گرمای به دست آمده از طریق موتور را دارا باشد

و به خوبی بتواند ولتاژ بالا را تحت هر شرایط ایجاد نماید.

www.kandoo.cn.com

کویل

چگونگی تولید ولتاژ زیاد

۱- تأثیر خود القاء

میدان مغناطیسی تولید خواهد شد که جریان الکتریکی از میان سیم پیچ عبور نماید. در نتیجه EMF (نیروی محرکه الکتریکی) در جهتی

تولید می شود که شار مغناطیسی تولید کند و یا تولید شار مغناطیسی

در سیم پیچ مخالفت می کند. بنابراین وقتی جریان وارد سیم پیچ

می شود به طور ناگهانی افزایش نمی یابد و مدت زمانی طول می کشد.

وقتی جریانی که در سیم پیچ است به طور ناگهانی قطع شود، EMF

در جهتی تولید می شود که مانع از بین رفتن جریان در مدار شود. به

این طریق، وقتی جریان در سیم پیچ قطع می شود یا جاری می شود،

سیم پیچ EMF تولید می کند که در مقابل تغییرات شار مغناطیسی

مقاومت می کند. این پدیده به نام اثر خود القاء معروف است.

۲- تأثیر القاء متقابل:

www.kandoo.cn.com

وقتی دو سیم پیچ در مقابل هم در یک ردیف قرار می‌گیرند و تغییر جریان در یکی از سیم پیچها حاصل شود (سیم پیچ اولیه)، نیروی محرکه الکتریکی روی سیم پیچ دیگر (سیم پیچ ثانویه) در جهتی جاری می‌شود که در مقابل تغییرات شار مغناطیسی سیم پیچ اولیه مقاومت می‌کند. این پدیده به نام تاثیر القاء متقابل نامیده می‌شود.

در شکل پایین وقتی جریان ثابتی از سیم پیچ اولیه عبور می‌کند هیچگونه تغییری در میدان مغناطیسی ایجاد نمی‌شود. بنابراین هیچ نیروی محرکه الکتریکی در سیم پیچ ثانویه تولید نمی‌شود.

وقتی سوئیچ باز شود جریان در سیم پیچ اولیه جاری خواهد شد و به محض بسته شدن سوئیچ (باز شدن مدار) جریان در سیم پیچ ثانویه القاء خواهد شد. بوسیله متقابلی که بین سیم پیچ اولیه و سیم پیچ ثانویه در زمان قطع جریان اولیه (بوسیله پلاتین) اتفاق می‌افتد، جریان با ولتاژ زیاد تولید می‌شود.

ارتباط بین سیم پیچ اولیه و ثانویه کوئل در دیاگرام صفحه بعد نشان داده شده است. زمانیکه پلاتینها بسته می‌شوند میدان مغناطیسی

تغییر می کند اما چون جریان به طور ناگهانی تغییر نمی کند (به دلیل خودالقائه)، تغییرات شار مغناطیسی تدریجی است و ولتاژ القایی در

سیم پیچ ثانویه به ولتاژ دشارژ نمی رسد.

مقدار نیروی محرکه الکتریکی بستگی به فاکتورهای زیر دارد:

۱- مقدار میدان مغناطیسی

۲- تعداد دور سیم پیچی

۳- نرخ تغییرات میدان مغناطیسی

عملکرد سیستم جرقه:

۱- وقتی که پلاتین ها بسته می باشند.

جریان از طرف باطری به سمت ترمینال مثبت در سیم پیچی اولیه

کوئل می رود و از ترمینال منفی بیرون آمده و به طرف پلاتین ها

می رود و منفی خود را از بدنه می گیرد در نتیجه حوزه میدان

مغناطیسی در اطراف هسته سیم پیچ به وجود می آید.

۲- وقتی که پلاتین ها باز می شوند:

وقتی که میل بادامک توسط میل لنگ گردانده می شود باعث می گردد تا برآمدگی میل دلکو، پلاتین ها را باز و بسته کند. این عمل سبب قطع جریان از سیم پیچی اولیه می شود. در نتیجه میدان مغناطیسی در سیم پیچ تولید شروع به ریزش می نماید. بهی خاطر اینکه خود القاء در سیم پیچی اولیه و القاء متقابل در سیم پیچ ثانویه برقرار می شود. EMF به وجود آمده در هر سیم پیچ از کاهش میدان مغناطیسی موجود در سیم پیچی فعلی جلوگیری می کند. خود القاء مغناطیسی تا حدود ۵۰۰ ولت و EMF در ثانویه تا حدود ۳۰ کیلوولت شده که باعث تولید جرقه در شمع می گردد. هر چه قدر زمان قطع و وصل جریان کوتاهتر شود، تغییر شار مغناطیسی افزایش می یابد و در نتیجه ولتاژ خیلی بزرگی در واحد زمان تولید می شود.

۳- وقتی که پلاتین ها دوباره بسته می شوند:

وقتی که دوباره پلاتین ها بسته می شوند جریان از سیم پیچ اولیه عبور نموده و میدان مغناطیسی در سیم پیچی اولیه افزایش می یابد که از بالا رفتن به صورت آنی جلوگیری می کند. (به دلیل تولید ولتاژ خود القاء).

در نتیجه به طور ناگهانی زیاد نمی شود و EMF القا متقابل قابل صرفنظری در ثانویه تولید می شود.

کویل با مقاومت

ساختمان مقاومت کویل

مقاومت کویل به صورت سری در مدار سیم پیچی اولیه قرار گرفته است. در مقایسه با کویل های بدون مقاومت، افت ولتاژ در سرعتهای بالا کم می شود.

اغلب تولیدکنندگان اتومبیل که سفارش سیستم جرقه را در خارج می نمایند از نوع مقاومت دار می باشد. این سیستم به دو گونه در مدار نصب می گردد یکی در خارج از کوئل و دیگری در داخل آن.

عملکرد سیستم جرقه با مقاومت

وقتی که جریان الکتریکی از میان سیم پیچی در هنگام بسته بودن دهانه پلاتین ها عبور می کند خود القاء در آن سیم پیچی به وجود می آید. بنابراین وقتی جریان الکتریکی در سیم پیچی اولیه کوئل جاری می شود، به تدریج این جریان افزایش پیدا نموده که این تاخیر با

افزایش تعدادسیم پیچی ها زیادتر می شود. در سیستم جرقه بدون مقاومت، زمانی که پلاتین ها مدت زیادی روی هم قرار گرفته باشند و موتور در سرعت پایین باشد می تواند جریان کافی (i۳) در ولتاژ ثانویه به وجود آید، اما وقتی دور موتور بالا باشد زمان بسته بودن پلاتین ها خیلی کم خواهد شد و جریان کافی در سیم پیچ ثانویه القاء نخواهد شد (i۱)، در نتیجه ولتاژ ثانویه کاهش پیدا خواهد نمود. در سیستم جرقه با مقاومت الکتریکی تعداد سیم پیچی کوئل کمتر می شود و بنابراین می تواند جریان کافی در خود القاء سیم پیچ اولیه به وجود آورد. بنابراین زمان صعود ولتاژ اولیه سریعتر می شود. به این طریق جریان کافی حتی در سرعت های بالا (i۲) خواهیم داشت و ولتاژ سیم پیچی ثانویه افت نخواهد داشت.

یکی دیگر از مزینهای کوئل با مقاومت توانایی بهتر در استارت زنی است. وقتی که جریان زیادی از موتور استارت عبور می کند ولتاژ باطری افت نموده و افت ولتاژ در سیم پیچی ثانویه نیز به وجود می آید در نتیجه ولتاژ ثانویه هم افت نموده و جرقه شمع ضعیف می گردد.

برای جلوگیری از این مساله، وقتی موتور استارت می خورد مقاومت بای پس می شود و در نتیجه ولتاژ باتری به طور مستقیم به گویل می رسد و جرقه قوی تر می شود. وقتی مقاومت بای پس شود، جریان مطابق شکل زیر زیاد می شود.

دلکو

پلاتین ها

بادامک میل دلکو دهانه پلاتینها را باز کرده و فنر پلاتین متحرک دهانه پلاتینها را می بندد. تعداد بادامکهای میل دلکو برابر با تعداد سیلندرهایی موتور است. برش عرضی میل بادامک موتورهای چهار سیلندر، چهار گوش بوده و شش سیلندر شش گوش می باشد. در اثر حرکت میل دلکو، بادامکها با فیبر پلاتین متحرک تماس پیدا کرده و سبب باز و بسته شدن دهانه پلاتینها می شود.

میل بادامک دلکو حرکت خود را از میل سوپاپ موتور می گیرد و سرعت آن نیز نصف سرعت میل لنگ موتور است. زیرا در یک دور

گردش میل دلکو، کوئل باید جرقه لازم را به تمامی سیلندرهای موتور است.

در یک دور کامل میل بادامک، جریان سیمپیچ اولیه به تعداد سیلندرهای موتور قطع و وصل شده تا ولتاژهای زیادی در سیمپیچ ثانویه کوئل تولید شود.

دهانه پلاتین‌ها از فلز تنگستن ساخته شده که بتواند ولتاژ بالا را از خود عبور دهد و همچنین در مقابل فرسودگی و اکسیداسیون مقاومت داشته باشند. بنابراین باید پلاتینها مرتباً بازدید شوند و اگر اکسید یا مواد مشابه وجود داشت تعویض شوند. برای عبور جریان الکتریکی و اشباع کامل کوئل که در کار موتور بسیار موثرند سه فاکتور اساسی در مورد پلاتین باید رعایت شود.

۱- مقاومت به وجود آمده در پلاتین‌ها

۲- فیلتر مناسب

۳- زاویه داول

زاویه داول:

زاویه داول زاویه بسته بودن پلاتین‌ها می‌باشد و این زاویه به تعداد سیلندر بستگی دارد. اگر فیلتر دهانه پلاتین‌ها درست تنظیم شده باشد،

در یک موتور ۴ سیلندر زاویه بسته بودن حدود ۵۲۶ درجه می‌باشد و زاویه باز بودن حدود ۳۸۶ درجه می‌باشد.

کل مجموعه زاویه باز بودن و بسته بودن ۹۰ درجه می‌باشد یعنی (۹۰-۵۲+۳۸) و در هر ۱/۴ دوریک بار پلاتین‌ها باز و بسته می‌شوند.

زاویه داول:

۴ سیلندر: ۵۲ درجه

۶ سیلندر: ۴۱ درجه

اگر فیلتر دهانه پلاتین‌ها زیاد باشد، دهانه پلاتین‌ها زودتر باز شده و

دیرتر بسته می‌شوند و در نتیجه زاویه داول کاهش می‌یابد و خیلی کوچک می‌شود.

اگر فیلتر دهانه پلاتین‌ها کم باشد، دهانه پلاتین‌ها دیرتر باز شده و زودتر بسته می‌شوند و زاویه داول افزایش می‌یابد. در هر حال اگر

فیلر دهانه پلاتین‌ها درست تنظیم نشده باشند تایم جرقه نیز به هم خواهد خورد.

اگر زاویه داوول خیلی کوچک باشد پلاتین‌ها در مدت زمان خیلی کم روی همدیگر قرار گرفته و مدت زمان کمی جریان از سیم‌پیچ اولیه کوئل عبور می‌کند. وقتی که دور موتور پایین باشد قدرت کافی برای جرقه شمع وجود خواهد داشت اما به هر حال وقتی دو موتور افزایش می‌یابد به خاطر اینکه کوئل اشباع نشده و لتاژ ثانویه به کوئل هم افت پیدا نموده و در کل باعث افت قدرت موتور می‌شود.

اگر زاویه داوول خیلی بزرگ باشد زمان بسته شدن دهنه، احتمال جرقه وجود خواهد داشت. حین جرقه همچنان جریان در مدار اولیه برقرار می‌باشد. چون قطع جریان در مدار اولیه وجود ندارد امکان تولید ولتاژ در ثانویه نمی‌باشد.

خازن

عموماً یک خازن یا کندانسور در بیرون قطعات متعلقه در سیستم به صورت موازی با پلاتین در مدار بسته می‌شود. زمانی که قطع جریان

اولیه سریعتر باشد و لتاژ القایی در ثانویه افزایش می یابد. حداکثر و لتاژ تولید شده در مدار اولیه از باز و بسته شدن پلاتین ها حدود ۵۰۰ ولت بوده و به همین علت در گذشت زمان وقتی پلاتین ها باز می باشند ممکن است این جریان از دهانه پلاتین ها به صورت جرقه عبور کرده و قطع جریان اولیه سریع اتفاق نمی افتد. برای کاهش جرقه، و لتاژ خود القا در سیم پیچ اولیه روی خازن به صورت موقت ذخیره می شود تا سریع جریان اولیه کاهش یابد.

دیگرام پایین نشان می دهد چگونه جریان اولیه بعد از باز شدن دهانه پلاتین ها عبور می کند: وقتی که خازن در مدار وجود داشته باشد زمان T_1 از زمان T_2 کوتاهتر می باشد و احتمال جرقه زدن کمتر

می شود.

آوانس جرقه

شرح

بعد از احترا مخلوط سوخت و هوا توسط شمع مدتی طول می کشد که

این احترا کامل گردد (در کل محفظه احترا پخش شود). از مشاهده

اولین شعله تا کامل شدن احترا و افزایش فشار و اتمام احترا زمانی طول می کشد. بنابراین فشار محفظه احترا به بالاترین حد برسد (۱۰ درجه بعد از TDC) توان موتور ماکزیم می شود باید تاخیر انتشار احترا را به حساب آورد.

تایمینگ صحیح جرقه برای به دست آوردن راندمان ماکزیم در اکثر موتورها حدود ۱۰ درجه قبل از نقطه مرگ بالا است که نام تایمینگ جرقه معروف است. ضرورت دارد در وضعیت های مختلف سرعت موتور این آوانس ادامه یابد به همین دلیل از آوانس خلائی و آوانس وزنه ای جهت این منظور استفاده می گردد.

در دور آرام که مکانیزمهای آوانس جرقه عمل نمی کند، آوانس اولیه جرقه (آوانس استاتیک) لازم می باشد. با تغییر و جابجایی دلکو آوانس اولیه نیز تغییر نموده و مطمئناً تغییر در کارموتور دارد. بدین طریق هم می توان با جابجایی دلکو شاخص روی پولی را با شاخص روی سینی به وسیله چراغ تایمینگ هماهنگ نمایید.

مکانیزم آوانس جرقه

هنگامی که سرعت خودرو بالاتر می‌رود تاخیر شعله درون منطقه احترا افزایش می‌یابد و متناسب با خلاء مانیفولد تغییر می‌کند، باید آوانس جرعه بر طبق شرایط فو (کار موتور) کنترل شود. دلکو مجهز به یک بخش آوانس می‌باشد که شامل آوانس وزنه‌ای برای کنترل تایمینگ احترا متناسب با سرعت خودرو است و یک آوانس خلائی برای کنترل تایمینگ احترا متناسب با بار موتور می‌باشد. برای مثال اگر دور دلکو ۱۰۰۰ RPM و وکیوم مانیفولد ۱۵۰ mmHg باشد، زاویه آوانس وزنه‌ای بستگی به دور موتور خواهد داشت که حدوداً ۶ درجه می‌شود و آوانس خلائی بستگی به بار موتور دارد که حدوداً ۴ درجه می‌شود. مجموع زوایا حدوداً ۱۰ درجه خواهد شد، از آنجایی که دلکو ۱/۲ دور موتور را دارد آوانس برحسب دور موتور ۲۰ درجه خواهد شد.

آوانس وزنه‌ای

آوانس وزنه‌ای بر اساس دور موتور آن را تنظیم می‌کند. چون زمان انتشار شعله تقریباً بدون توجه به دور موتور ثابت است (تا وقتی که

نسبت سوخت - هوا ثابت باشد)، زمانیکه دور موتور افزایش پیدا کند زاویه میل انگ در مدت این اشتعال زیاد می شود. بنابراین نموداری که زاویه میل انگ را بر حسب فشار احترا نشان می دهد به سمت راست حرکت می کند (شکل زیر).

به عبارت دیگر افزایش دور موتور زمان اشتعال کمی طولانی تر می شود ($\theta_1 < \theta_2$). آوانس وزنه ای وقتی که دور موتور افزایش پیدا نماید فشار ماکزیمم را که ۱۰ درجه بعد از نقطه مرگ بالاست تهیه می نماید.

عملکرد آوانس وزنه ای

این مکانیزم حساس به دور موتور بوده و با افزایش سرعت موتور، دلکو را آوانس می کند. بدین معنی که در قسمت پایین دلکو در زیر صفحه های متحرک و ثابت، وزنه هایی قرار گرفته اند که به وسیله دو فنر با میل دلکو در ارتباط می باشند. با افزایش دور موتور وزنه ها در اثر نیروی گریز از مرکز به سمت خارج کشیده شده و فنرها بازمی گردند. باز شدن فنرها باعث حرکت

میل بادامک دلکو شده وضعیت فیبر پلاتین‌ها را بر روی میل دلکو تغییر می‌دهد. این تغییر وضعیت سبب زود باز شدن دهانه پلاتین‌ها شده و موتور آوانس می‌گردد. در صورتی که دور موتور کم شود، وزنه‌ها به حالت اولیه خود برگشته و کشش فنرها کم می‌شود. در نتیجه میل بادامک دلکو در وضعیت اولیه خود قرار گرفته و جرقه الکتریکی شمع‌ها در سیلندرهای موتور با همان تایمینگ اولیه انجام می‌گیرد.

منحنی مشخصه آن معمولاً دو بار خم شده که ناشی از عمل متفاوت دو فنر می‌باشد.

آوانس خلأی

آوانس خلأی بر اساس تغییر خلأ مانیفولد که ناشی از تغییر بار موتور می‌باشد تایمینگ جرقه را آوانس می‌کند. وقتی بار موتور کم باشد دریچه گاز تقریباً بسته است و خلأ در آن منطقه زیاد است.

وقتی خلاء در دهانه و نتوری زیاد باشد باعث می‌گردد اثر مخلوط سوخت و هوا کاهش یافته و مخلوط کمی به داخل سیلندر راه پیدا می‌نماید در نتیجه سرعت انتشار احترا پایین می‌آید.

به هر حال وقتی بار روی موتور زیاد باشد خلاء مانیفولد کاهش پیدا می‌کند اثر مخلوط سوخت و هوا افزایش می‌یابد و در نتیجه سرعت انتشار احترا افزایش می‌یابد.

بنابراین آوانس خلائی وقتی بار موتور کم است و بیشترین فشار احترا را که ۱۰ درجه بعد از نقطه مرگ بالا می‌باشد عمل خود را انجام می‌دهد.

قطعات متشکله آوانس خلائی عبارتند از: دیافراگم، فنر دیافراگم، میله آوانس،... که میله آوانس روی صفحه دلکو عمل می‌کند و به یک طرف دیافراگم خلاء مانیفولد رسیده و طرف دیگر دیافراگم به هوای آزاد ارتباط دارد. وقتی خلاء افزایش پیدا می‌کند باعث می‌شود که دیافراگم به یک طرف کشیده شده و میله آوانس را که روی صفحه دلکو وجود دارد، چند درجه‌ای در خلاف جهت گردش میل دلکو به گردش درآورد

به این طریق آوانس خلأئی می تواند وظیفه خود را عمل نماید و وظیفه
فنر نیز برگشت دیافراگم و صفحه روی دلکو به موقعیت قبلی
می باشد.

نمودار آوانس خلأئی
نمودار خلأئی مشابه آوانس وزنه ای می باشد و براساس خواسته های
موتور عمل می کند. با تنظیم قدرت فنر آوانس، می توان میزان آوانس
را تغییر داد.

اکتان
همانطور که قبلاً گفته شد، با توجه به برآورد زمان احترا مخلوط
سوخت - هوا، باید تایمینگ تنظیم شود به طوری که فشار احترا داخل
سیلندر در زاویه گردش ۱۰ ATDC ماکزیمم شود.

نرخ احترا مخلوط سوخت - هوا (نرخ انتشار شعله) برحسب نوع
بنزین (اکتان) فر می کند.

بنابراین برای استفاده هرچه بهتر از نیروی انفجار داخل سیلندر باید
تایمینگ برحسب اکتان تغییر کند. اگر از بنزین با اکتان پایین استفاده

شود، نقطه احترا (دما) بنزین از حالت نرمال کمتر است، بنابراین زمان جرقه و احترا کوتاه است و نرخ احترا (نرخ انتشار شعله) بالاست.

بنابراین ماکزیم فشار احترا قبل از ۱۰ ATDC اتفاق می افتد.

وقتی از بنزین با اکتان بالا استفاده شود، نقطه احترا از حالت نرمال بالاتر است. بنابراین زمان بیشتری برای احترا نیاز دارد و نرخ احترا کم است. پس از مدت زمانی که طول می کشد تابیشترین فشار احترا

حاصل شود خیلی است و باعث می شود نرخ احترا به بعد از ۱۰ ATDC ریتارد می شود. چون سیلندر در چنین حالتی خیلی پایین است، فشار احترا خیلی کم است و موتور قدرت واقعی را نشان نمی دهد.

در دیاگرام نشان داده شده می توان مشاهده نمود که وقتی از بنزین با اکتان پایین استفاده می شود بایستی تایمینگ جرقه را ریتارد نموده و وقتی از بنزین با اکتان بالا استفاده می شود باید تایمینگ جرقه آوانس شود.

اجزا دلکو

وظیفه دلکو

جریان تولیدی در ثانویه از طریق ترمینال ثانویه کویل به الکتروود

میانی درب دلکو وارد می شود.

سپس جریان از الکتروود میانی از طریق چکش بر به الکترودهای

کناری می رسد. چکش بر بانصف سرعت میل لنگ می چرخد. سپس از

الکترودهای کناری به شمع می رسد.

چون بخش دلکو جریان بالایی را هدایت می کند، عایق کاری مناسب و

هدایت خوبی داشته باشد. همواره باید سرویس انجام شود و موارد

فوق چک گردد.

درب دلکو

ولتاژ ثانویه از ترمینال توسط درب دلکو وارد شده و از قسمت فلزی

چکش بر که مقسم جریان بر ولتاژ قوی می باشد، به ترمینالهای درب

دلکو رفته که هرکدام از ترمینالها توسط وایر به یکی از شمعها که

برحسب ترتیب احترا هستند می رساند.

جنس از درب دلکو از رزین اپوکسی بوده و مقاومت بسیار زیادی در مقابل ولتاژ قوی دارد. فاصله هوایی بین قسمت فلزی چکش بر تا هر یک از برجکها حدود $0/8$ میلیمتر یا $0/031$ اینچ می باشد. این فاصله هوایی وجود دارد تا چیزی مانع گردش چکش بر نشود. حین دشارژ در فاصله هوایی فو، به دلیل یونیزاسیون، ازن تولید می شود و به همین خاطر حفره هایی جهت تهویه روی درب دلکو قرار گرفته است.

چکش برق یا مقسم

جنس چکش بر نیز از رزین اپوکسی ساخته شده و نوک قسمت فلزی چکش برها با فیلمی از عایق مثل اکسید سرب نسوز شده است. بدین طریق نویز ناشی از احترا کاهش می یابد و بنابراین اختلالات رادیویی کاهش می یابد. نباید با کاغذ سمباده آن را سایید.

شمع

ولتاژ بالا در مدار ثانویه از طریق الکتروود میانی شمع به سمت پایه آن پرش می کند، جرقه شمع به موارد زیر که از فاکتورهای اصلی آن می باشد بستگی دارد.

۱- شکل الکتروود

الکتروودهای با شکل گرد با نیم گرد تخلیه الکترونی سختی دارند در حالی که الکتروودهای نوک تیز دارای پرش جرقه بهتری هستند. به ترتیب در شکل پایین که براساس شکل الکتروود ترسیم گردیده تخلیه الکترونی سخت در سمت راست و تخلیه الکترونی آسان در سمت چپ تصویر می باشد. به مرور زمان شکل الکتروودها گرد می شود که در نتیجه باعث اشکال در جرقه می شود. از طرف دیگر، نوک نیز بوده الکتروودها جرقه زدن را راحت تر مرده ولی مدت سرویس راکوتاهتر می کند (زودتر مستهلک می شوند).

۲- فیلر دهانه شمع

وقتی فیلر دهانه شمع زیاد است نیاز به ولتاژ بالایی می باشد که پرش الکترونی در آن صورت گیرد. پرش الکترونی در فیلر زیاد دهانه شمع به سختی انجام می پذیرد. وقتی زمان زیادی از شمع استفاده شود فاصله هوایی زیاد می شود و در نتیجه پرش الکترونی به سختی اتفاق

می افتد.

۳- فشار کمپرس و ولتاژ مورد نیاز

وقتی فشار موتور زیاد باشد باعث می‌گردد که ولتاژ بسیار قوی برای پرش جرقه در دهانه شمع نیاز باشد. وقتی موتور با بار زیاد باشد و وقتی سرعت خودرو کم و دریچه گاز کاملاً باز است مساله فو اتفا می‌افتد. هر چقدر دمای مخلوط سوخت - هوا کاهش یابد به ولتاژ بیشتری برای احتراق نیاز است. دیاگرام پایین فشار کمپرس را در خط افقی و ولتاژ را در خط عمودی بامنحنی‌های به دست آمده نشان می‌دهد.

۴- حرارت الکتروود و ولتاژ مورد نیاز

وقتی سرعت خودرو افزایش پیدا می‌کند به تبع آن دمای الکتروود نیز افزایش می‌یابد. هر قدر دمای الکتروود زیاد شود ولتاژ مورد نیاز برای تخلیه الکترونی کاهش پیدا می‌کند. در دیاگرام پایین که خط افقی آن نمایانگر حرارت الکتروود و خط عمودی آن ولتاژ تهیه شده می‌باشد نمایش داده شده است.

مکانیزم احتراق

انفجار مخلوط سوخت و هوا به وسیله جرقه شمع عموماً احتراً نامیده می‌شود. عمل احتراً در یک لحظه صورت نمی‌پذیرد، بلکه ولتاژ قوی از میان الکتروود میانی شمع به سمت الکتروود پایه حرکت کرده و وقتی پرش جرقه صورت می‌گیرد مخلوط سوخت و هوا را آتش می‌زند که در شکل مشاهده می‌کنید. وقتی مخلوط سوخت و هوا در میان الکتروود میانی و پایه قرار گرفته است پرش الکترونی باعث آتش گرفتن مخلوط گردیده و این جبهه آتش در هر لحظه تعمیم داده شده و به تمامی مخلوط منتظر برای احتراً می‌رسد. در نتیجه زمان انبساط صورت گرفته که این عمل اساس جرقه نامیده می‌شود.

بازه گرمایی

بازه گرمایی شمع به مقدار حرارتی که توسط شمع دفع می‌شود بستگی دارد. شمعی که حرارت بیشتری دفع کند شمع سرد نامیده می‌شود زیرا سردتر باقی می‌ماند. هرگاه شمع گرمای کمتری انتقال داده و گرما را در خود نگهدارد، شمع گرم نامیده می‌شود.

شمع‌ها به وسیله حروف الفبایی کدگذاری می‌شود و ساختمان و خصوصیات آن تشریح گردیده‌است. کدهای مختلف شمع بستگی به مارک یا علامت آن دارد، اما معمولاً شماره‌های بزرگتر دردمای بالاتر استفاده شده که شمع سرد و با شماره‌های پایین‌تر شمع گرم نامیده می‌شود.

بازه گرمایی پایین شمع دمایی self_cleaning است و تا دمایی پیش احتراق که حد بالا می‌باشد ادامه دارد.

بهترین عملکرد دمایی برای شمع حدوداً ۴۵۰ درجه سانتیگراد (۸۴۲ درجه فارنهایت) تا ۹۵۰ درجه سانتیگراد (۱۷۴۲ درجه فارنهایت) می‌باشد.

مشخصات حرارتی شمع ایده آل در گراف زیر نشان داده شده است و تمام شرایط از سرعت‌های کم تا زیاد را تحمل می‌کند. وضعیت شمع در درجه حرارت متوسط و سرعت‌های مختلف خودرو و در دیاگرام پایین نشان داده شده است.

۱- درجه حرارت مناسب (Self_cleaning)

اگر درجه حرارت الکتروود مرکزی کمتر از ۴۵۰ درجه سانتیگراد (۸۴۲ درجه فارنهایت) باشد کربنات ایجاد شده که حاصل از احتراق ناقص می باشد پوششی در سطح شمع به وجود می آورند. در نتیجه ولتاژ ثانویه بدنه شده بدون اینکه جرقه ای زده شود و جریان بر به درستی عبور نخواهد کرد.

دمای بالای ۴۵۰ درجه سانتیگراد (۸۴۲ درجه فارنهایت) احتراق را کاملتر کرده و درجه حرارت مناسبی است که شمع در آن درجه حرارت رسوب نمی گیرد به اصطلاح این درجه حرارت را درجه حرارت مناسب می نامند.

۲- حرارت ایجاد شده از هر جرقه شمع

اگر حرارت الکتروود مرکزی متجاوز از ۹۵۰ درجه سانتیگراد (۱۷۴۲ درجه فارنهایت) باشد، الکتروود مرکزی خودش منبع حرارت می گردد و باعث می گردد که بدون پرش جرقه در زمان تراکم مخلوط محتر شود. اگر اتفاق بیفتد، احتمال آسیب دیدگی الکتروودها و پیستونها

وجود دارد. بنابراین حرارت مناسب در شمع باید پایین تر از ۹۵۰ درجه سانتیگراد (۱۷۴۲ درجه فارنهایت) نگه داشته شود.

۳- حرارت های انتقاد داده شده از طرف اجزاء شمع

حرارت انتقال داده شده توسط شمع در شکل نمایش داده شده است. درجه حرارت مناسب شمع که ۴۵۰ درجه سانتیگراد (۸۴۲ درجه فارنهایت) می باشد و در درجه حرارت ایجاد شده در هر جریان عبوری که تولید شده و ایجاد خودسوزی ننماید، پایین تر از ۹۵۰ درجه سانتیگراد (۱۷۴۲ درجه فارنهایت) بوده در شکل قسمت A می باشد.

حرارت نقطه A برای عملکرد خوب در شمع خیلی حائز اهمیت می باشد و بستگی به دمای گاز و اتا احترا و طراحی شمع می باشد. در شکل بالا حرارت دهی الکتروود مرکزی نیز نمایش داده شده است.

۴- اندازه پایه و گرماگیری

طول عایق (T) در شمع سرد و گرم نشان داده شده است. شمع سرد عایق کوتاهتری دارد که ساختمان آن شکل (a) می باشد. چون محیط

سطح گرمادهی کوچکتری داشته و مسیر تشعشع گرمایی آن نیز کمتر است. دفع حرارتی عالی است و دمای الکتروود میانی خیلی زیاد نمی شود.

وقتی الکتروود مرکزی در معرض شعله ایجاد شده یا تشعشع گرمایی قرار گیرد، حرارت الکتروود مرکزی بالا نمی رود که یک مزیتی برای این شمع ها می باشد.

به همین علت در موتورهای گرم از شمع سرد استفاده می گردد. موتور گرم موتوری هستند که سیستم خنک کاری خوبی ندارند، مثل موتورهای هوا خنک.

شمع دیگر شمع گرم می باشد که نسبت به شمع سرد عایق زیادتری داشته و همچنین مسیر دفع گرمایی آن زیاد و دفع حرارتی کم است. به همین علت دمای الکتروود مرکزی آن داغ شده و رسیدن به دمای self_cleaning زودتر در سرعت های پایین امکان دارد.

شمع های نوک پلاتینی

همانطوری که در شکل نشان داده شده است، الکتروود مرکزی شمع و الکتروود پایه آن از فیلمی از پلاتین پوشیده شده است که در عمر شمع بسیار موثر می باشد.

این نوع شمع در موتورهایی که مجهز به سیستم کنترل آلودگی هستند مطابقت دارد.

برای تقویت عملکرد سیستم جرقه قطر الکتروود مرکزی تا ۱/۱ میلیمتر از قطر ۲/۵mm (برای شمع معمولی) و با افزایش فاصله فیلر به ۱/۱mm از ۸/۸ کوچکتر شده است.

انتهای الکتروود دارای پوششی از پلاتین می باشد و استهلاک موتور کم می شود و این عمل امکان استفاده تا ۱۰۰/۰۰۰ کیلومتر یا ۶۰/۰۰۰ میل را موجب می شود.

برای تشخیص شمعهای نوک پلاتینی از شمعهای معمولی، بدون باز کردن از روی موتور، ۵ خطروی عایق آن کشیده شده است. عرض قسمت شش گوش از ۲۰/۶mm (شمع معمولی) تا ۱۶mm

کاهش یافته است و در نتیجه سایز و وزن کاهش یافته است.

سیستم جرقه زنی ترانزیستوری

شرح: پلاتین ها در سیستم جرقه معمولی برای اشباع مدار اولیه نیاز

به باز و بسته شدن دارند و به همین علت و به خاطر عبور جریان

جهت استفاده شمع ها زود اکسید می شوند.

سیستم جرقه زنی ترانزیستوری برای از میان بردن معایب موجود

در سیستم جرقه زنی معمولی طراحی گردیده است تا مواردی مثل

بازدید دوره ای کم می شود.

در سیستم جرقه زنی ترانزیستوری مولد سیگنال در دلکو بجای

پلاتین و میل دلکو قرار گرفته است. این سیستم تولید یک ولتاژ

ضعیف می کند و با قطع و وصل ترانزیستورهای مدول، جریان اولیه

کوئل قطع و وصل می شود. همچنین چون قطع و وصل این سیستم

بصورت ارتباط فلز به فلز (مکانیکی) نمی باشد به همین خاطر استهلاک

و یا افت ولتاژ ثانویه نخواهیم داشت.

مولد سیگنال

ترانزیستورهای قدرت که برای قطع مدار اولیه در سیم پیچی استفاده شده توسط مولد سیگنال قطع و وصل می شوند (برطبق تایمینگ جرقه) و در اصل نوعی مواد AC (جریان متناوب) می باشد.

۱- ساختمان

مولد سیگنال شامل یک میدان مغناطیسی دائم (سیم پیچ پیکاپ را مغناطیس می کند)، سیم پیچ پیکاپ برای تولید AC و روتور که ولتاژ AC را مطابق با تایمینگ القا می کند. روتور به تعداد سیلندرهای دندانه دارد. برای مثال چهار دندانه برای موتور ۴ سیلندر و شش دانه در روی موتور شش سیلندر می باشد.

۲- اصول تولید EMF

شار تولیدی توسط مغناطیس، بوسیله روتور، از سیم پیچ پیکاپ عبور می کند. وقتی فاصله هوائی بین روتور و پیکاپ تغییر می کند. میزان شار عبوری از پیکاپ تغییر می کند. این تغییر شار، ولتاژ (EMF) در سیم پیچ پیکاپ تولید می کند.

اشکال بالا وضعیت روتور را متناسب با تغییر شار و EMF تولیدی در پیکاپ را نشان می‌دهد. وقتی دندان روتور در موقعیت نشان داده شده A قرار دارد فاصله هوایی نسبت به سیم‌پیچی پیکاب بزرگترین بوده، بنابراین شار مغناطیسی ضعیف خواهد بود. همچنین وقتی نرخ تغییرات شار مغناطیسی صفر می‌شود، هیچگونه EMF تولید نمی‌شود.

با تغییر مکان روتور فاصله هوایی کم شده و شار افزایش می‌یابد. در نقطه B بیشترین تغییرات شار را خواهیم داشت و ماکزیمم EMF تولید می‌گردد. بین نقطه B و C تغییر شار کاهش یافته و EMF تولیدی کاهش می‌یابد.

بین وضعیتهای B و C چون EMF تولیدی در پیکاب در جهتی است که با تغییر شار مخالفت کند، قطبیت EMF وقتی که دندان روتور نزدیک پیکاپ یم شود (شکل B: کاهش فاصله هوایی، افزایش شار) با وقتی روتور از پیکاب دور می‌شود (شکل D: افزایش فاصله هوایی،

کاهش شار) معکوس است و بنابراین خروجی AC داریم.

چون ولتاژ تولیدی با تغییر شار در واحد زمان افزایش می یابد، ولتاژ تولیدی با سرعت موتور زیاد می شود.

مدول

مدول شامل آشکارساز (EMF) تولیدی توسط مولد سیگنال را آشکار می کند، تقویت کننده، ترانزیستور قدرت (عمل قطع و وصل جریان اولیه کوئل را مطابق با سیگنال تقویت انجام شده انجام می دهد) می باشد.

کنترل زاویه داول نیز یکی از قسمتی این سیستم است که با سرعت موتور تنظیم می شود.

بعضی از مدولها دارای یک محدود کننده جریان هستند که ماکزیمم جریان اولیه را کنترل می کند.

عملکرد سیستم جرقه زنی ترانزیستوری

از آنجائیکه مدار مدول به دلیل استفاده از Cها (مدارات مجتمع) خیلی پیچیده است عملکرد این سیستم بوسیله دیاگرام مداری ساده ای

تشریح می گردد.

۱- وقتی موتور خاموش است.

هنگامیکه سویچ باز می شود ولتاژی به نقطه P اعمال می گردد. ولتاژ

نقطه P (تقسیم ولتاژ R_1 و R_2) کمتر از ولتاژی که برای روشن

شدن ترانزیستور لازم است.

در نتیجه ترانزیستور تا زمانیکه موتور خاموش است روشن نمی شود

و بنابراین جریان در سیم پیچ اولیه کوئل جاری نمی شود.

۲- وقتی موتور روشن است (ولتاژ تولیدی مثبت در سیم پیچ پیکاب)

با گردش موتور روتور نیز به حرکت درآمده و ولتاژ AC در

سیم پیچ پیکاب تولید می شود. اگر ولتاژ AC مثبت باشد به ولتاژ

موجود در نقطه P اضافه شده و بنابراین ولتاژ نقطه Q (ولتاژ

بیس) از ولتاژ تحریک ترانزیستور بیشتر می شود و نهایتاً ترانزیستور

روشن می شود.

در نتیجه جریان سیم پیچ اولیه کوئل از نقطه C (کلکتور) ترانزیستور

به سمت امیتر (E) ترانزیستور روانه می گردد (ترانزیستور روشن

می شود).

۳- وقتی موتور روشن است (ولتاژ تولیدی منفی در سیم پیچ پیکاب) وقتی ولتاژ AC که در سیم پیچی پیکاب تولید می گردد منفی باشد، این ولتاژ منفی به ولتاژ نقطه P اضافه می شود. بنابراین ولتاژ در نقطه Q کاهش پیدا کرده و ترانزیستور خاموش می شود. در نتیجه جریان در سیم پیچ اولیه قطع گردیده و ولتاژ بالایی در کویل القا می شود.

کنترل زاویه داوول

مدت زمان جاری بودن جریان در سیم پیچی اولیه عمدتاً بخاطر افزایش دور موتور کاهش پیدامی کند، بنابراین ولتاژ القایی ثانویه در کویل نیز افت می نماید.

کنترل زاویه داوول اشاره به سیستمی الکترونیکی می کند که زمان جاری بودن جریان در سیم پیچ اولیه زا (زاویه داوول) مطابق با سرعت گردش شفت دلکو کند.

در سرعت های پایین زاویه داوول کم است تا جریان اضافی در سیم پیچ اولیه جاری نشود اما با افزایش دور موتور زاویه داوول نیز

افزایش می یابد تا از کاهش جریان برای در سیم پیچ اولیه جلوگیری شود.

محدود کننده جریان

محدود کننده جریان یکی از سیستم‌هایی می باشد که صعود جریان را در سیم پیچ اولیه بهبود می بخشد، در تمام زمانها (از سرعت پائین تا سرعت بالا) جریان اولیه ثابتی خواهیم داشت و بنابراین رسیدن به ولتاژ ثانویه بالایی امکان پذیر می شود.

چون مقاومت کویل کم می شود و زمان صعود جریان بهبود می یابد، در این سیستم جریان زیاد می شود. بنابراین اگر مثل قبل استفاده شود منجر به سوختن کویل یا ترانزیستور قدرت می شود. وقتی

جریان اولیه به مقدار ثابتی رسید، توسط مدول کنترل می شود به طوری که جریان بزرگتری عبور نکند. چون محدود کننده، جریان اولیه را محدود می کند نیازی به مقاومت خارجی برای کویل نیست. به همین خاطر بعد از جریان اولیه یک کنترل کننده الکتریکی وجود دارد

که در زمان عملکرد جرعه از افزایش بیش از حد جلوگیری می نماید.

سیستم جرقه زنی ترانزیستوری IIA

IIA مخفف «سیستم جرقه مجتمع» (Integrated Ignition Assembly)

می باشد.

سیستم جرقه زنی ترانزیستوری IIA شامل مدول و کویل می باشد که

در سیستم های دیگر مجزا هستند.

سیستم IIA دارای مزایای زیر است:

۱- کوچک بوده و نیز سبک می باشند.

۲- هیچ مسئله ای در مورد کانکتورها وجود ندارد و بنابراین قابلیت

اعتماد بالایی دارد.

۳- ضد آب است.

۴- در مقابل شرایط محیطی بسیار خوب عمل می کند و تاثیر محیط

روی آن نیست.

آوانس جرقه الکترونیکی ESA

ESA مخفف (Electronic Spark Advance) (آوانس

الکترونیکی) می باشد. در این سیستم بهترین مقادیر تایمینگ با توجه

به شرایط کاری موتور در ECU ذخیره شده است. این سیستم تمامی شرایط موتور را از طریق سنسورها حس می کند (مثل دور موتور، مخلوط سوخت و هوا، حرارت موتور و غیره) و سپس شرایط مطلوب تایم جرقه را انتخاب و دستور قطع جریان سیم پیچی اولیه را می دهد تا تایم جرقه لازم در موتور انجام گیرد. با این سیستم می توان کنترل دقیق تری روی آوانس جرقه داشت، نسبت به سیستمی که از آوانس وزنه ای و خلائی استفاده می کند.

در سیستم آوانس الکترونیکی جرقه دو پیکاپ در داخل دلکو تعبیه شده است، یکی سیگنال سرعت موتور را تولید می کند (سیگنال Ne) و دیگری سیگنال وضعیت زاویه میل بادامک (سیگنال G) را اطلاع می دهد. در این سیستم کنترل کننده خلائی و مکانیزم کنترل کننده وزنه ای حذف گردیده است.

DLI (احترای بدون دلکو)

در سیستم های احترای قدیمی، ولتاژ بالایی که توسط تنها کوئل تولید می شود به کمک دلکو به سر هر شمع پخش می گردد.

DLI یک سیستم جرقه زنی در موتورهای بنزینی است که از دلکو استفاده نمی کند. در این سیستم برای هر دو شمع یک کوئل استفاده می شود.

واحد کنترل کننده الکترونیکی ECU جریان اولیه را مستقیماً به هر کوئل پخش می کند که موجب جرقه هر شمع می گردد. شکل زیر اصول کارکرد را نشان می دهد.

این سیستم دارای مزایای زیر می باشد.

۱- به علت اینکه کوئلها نزدیک به شمعها می باشند و ایرهای موتور کوتاه می گردند و بنابراین نویز کم می گردد.

۲- بخاطر اینکه کنترل تایمینگ جرقه بصورت مکانیکی صورت

نمی گیرد تایمینگ جرقه در رنج عریض تری کنترل می شود (اگر در

سیستمی که دلکو دارد آوانس را بیشتر کنیم جریان از دو طرف الکتروود می تواند جاری شود).

مقدمه

چای *Camellia sinensis* عمومی‌ترین و ساده‌ترین نوشابه

پذیرایی در هر خانه ایرانی است که در الگوی مصرفی ما از اهمیت

ویژه‌ای برخوردار بوده به طوری که نوشیدن چای در کنار نان بعنوان

یک وعده غذایی دلیلی بر اهمیت و مصرف بالای آن می‌باشد. با توجه

به مصرف سرانه چای در کشور و به منظور تامین نیاز داخلی و

رسیدن به خودکفایی باید به دو موضوع، افزایش کیفیت چای داخلی،

برای ترغیب مصرف‌کنندگان داخلی و خارجی و همچنین افزایش

میزان تولید از طریق افزایش عملکرد در واحد سطح و احیاء و واکاری

باغ‌های قدیمی توجه خاصی داشته باشیم. با توجه به محدودیت شدید

زمین کشاورزی و تراکم جمعیت در استان گیلان و مازندران، امکان

افزایش سطح زیر کشت کن و می‌تواند بخشی از اراضی مخروبه

جنگلی در دامنه‌ها و یا حاشیه باغ‌های چای باشد، برای افزایش

عملکرد در واحد سطح می‌توان بوته‌هایی که از لحاظ کمیت در عملکرد

در فن‌آوری چای در حد ضعیفی هستند را با بوته‌هایی که

دارای خصوصیات مطلوبی می باشد جایگزین نمود و نیز سطح وسیعی از باغ های مخروطی و متروکه را واکاری و احیاء کرد.

بریا رسیدن به این اهداف، با توجه به این که برای احداث هر هکتار

باغ چای حدود ۲۰ هزار قلمه یا نهال نیاز می باشد و برای واکاری و

احیاء هر هکتار حداقل سه هزار اصله نهال نیاز است، رو یهم رفته

تعداد زیادی نهال چای مورد نیاز است که تولید این مقدار تنبوه نهال

از وظایف اداره کل خدمات پژوهشی چای به عنوان متولی تولید و

تکثیر نهال در منطقه می باشد. با توجه به محدود بودن بوته های

مادری اصلاح شده، انتخاب روش مناسب از دیاد چای دارای اهمیتی

دوچندان می باشد که مجموعه حاضر به بیان روش های مختلف تکثیر

می پردازد. به طور کلی از دیاد چای نیز همانند اکثر گیاهان به دو

روش جنسی و غیرجنسی صورت می گیرد.

تکثیر جنسی

از دیاد گیاهان گلدار به وسیله بذر را تکثیر جنسی گویند. به طور کلی

از مزایای از دیاد به وسیله بذر می توان به مواردی همچون ارزانی،

توانایی نگهداری بذر به مدت طولانی و... اشاره نمود. البته باید به این نکته توجه داشت که بذر چای به علت دارا بودن مواد روغنی زیاد، قابلیت ابترکمی دارد. از معایب ازدیاد بوسیله بذر نیز می توان به مواردی همچون تفرصفات، یکنواخت نبودن باغ، طولانی بودن مدت دوره نونهالی و مرغوبیت و کیفیت پایین گیاهان حاصله از بذراشاره نمود.

تکثیر غیرجنسی

تکثیر از اندام های رویشی یک گیاه را تکثیر غیرجنسی گویند. مبنای این تکثیر بر پایه توانمندی سلول به معنای قابلیت تولید گیاهان جدید و کامل از هر یاخته گیاهی، به خاطر داشتن کلیه اطلاعات ژنتیکی لازم، برای تولید یک گیاه می باشد. بنابراین تکثیر گیاهان حاصل از یک گیاه مادری دارای ساختمان ژنتیکی مشابه ای می باشند. مجموعه گیاهانی را که از یک گیاه مادری به روش رویشی حاصل می شوند همگروه یا کلون می نامند.

چای گیاهی دگرگشن است و در تکثیر جنسی به خاطر دخالت دانه
گرده بوته‌های دیگر، گیاه حاصله دارای تفرصات شدیدی می‌شوند
به طوری که نتیجه محصول از نظر کمی و کیفی، متغیر بوده و
مرغوبیت کمتری پیدا می‌کند. دگرگشنی در چای سبب ایجاد نتایج
متفاوت و نیز تنوع زیاد در برگ و نتیجتاً تغییر کیفیت اکسیداسیون آن
می‌شود. همچنین طولانی بودن دوره نونهالی نیز از جمله دلایلی است
که سبب ارجحیت تکثیر غیرجنسی چای بر تکثیر جنسی می‌شود. در
تکثیر جنسی، تنه ۲/۵٪، شاخه ۸۰٪، برگ ۱۷٪ و شاخه‌های خشک
شده ۰/۰۵٪، از وزن کل بوته را به خود اختصاص می‌دهد، که در
مقایسه با آن در تکثیر غیرجنسی این نسبت به ترتیب ۷/۹، ۷۰، ۲۱ و
۰/۰۵ درصد می‌باشد. قدرت رشد بوته‌های حاصل از تکثیر
غیرجنسی نیز بیشتر و ۱-۲ سال زودتر آماده هرس می‌شوند.
لولدز چیدز در بررسی خود روی رشد و نمو چای رقم کولخیدا
مشخص نمودند که در ازدیاد غیرجنسی، عملکرد چای ۳۲٪ و وزن کل
بوته‌ها ۵/۹٪ نسبت به تکثیر جنسی بیشتر بوده است. تکثیر غیرجنسی

چای از طریق خوابانیدن، پیوند، ریزازدیادی و قلمه صورت می‌گیرد که به جز ریزازدیادی بقیه روش‌ها را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۱- خوابانیدن

خوابانیدن شیوه‌های مختلف دارد مانند خوابانیدن انتهایی، ساده، شیاری (نهری)، مرکب (مارپیچی)، کپه‌ای (تپه‌ای) و هوایی.

در چای معمولاً از دو روش خوابانیدن ساده و شیاری استفاده می‌شود. زمان مناسب برای خوابانیدن شاخه‌ها اوایل بهار می‌باشد و از شاخه‌های خفته و در حال خواب، با انعطاف‌پذیری بالا که بتوان آنها را به سادگی به سوی زمین خم نمود استفاده می‌شود. به طور

کلی ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر از انتهای شاخه‌ها در شیاری به عمق ۱۰ سانتی‌متر در خاک قرار داده می‌شوند و روی آن را خاک ریخته به طور معمول شاخه‌هایی که در بهار خوابانیده می‌شوند در پایان اولین فصل رشد دارای ریشه کافی بودن و می‌توان آنها را در بهار

یا پیش از آغاز رشد مجدد از گیاه‌مادری جدا کرد.

هنگامی که شاخه خوابانیده شده ریشه دار، از گیاه مادری جدا می‌شود و در اصل به عنوان یک قلمه ریشه‌دار شده از همان گیاه تلقی

می‌شود که آن را در محل اصلی می‌کارند. (شکل ۱-۲).

۲- پیوند

پیوند عبارت است از اتصال دو قطعه بافت زنده گیاهی به یکدیگر به نحوی که با هم یکی شده و سپس به عنوان یک گیاه به زندگی ادامه دهند. بخشی را که در بالا قرار می‌گیرد، پیوندک و قسمت پایین را پایه گویند. بر حسب این که شاخه یا پیوندک دارای چند جوانه باشد به آن پیوند شاخه و اگر شاخه دارای یک جوانه باشد به آن پیوند جوانه گویند.

پیوند زدن در چای یکی دیگر از روش‌های تکثیر است که نتایج خاصی را به همراه دارد از آن جمله استفاده از مزایای برخی از پایه‌ها و بهبود رشد را می‌توان نام برد. در چای دو نوع پیوند، یکی پیوند اسکنه و دیگری کوپیوند شکمی مرسوم است.

۱-۲- پیونده اسکنه

این روش یکی از قدیمی ترین روشهای پیوند شاخه است که به میزان زیادی مورد استفاده قرار می گیرد. این پیوند بر روی طوقه بوته های کاملاً مفید است. به این منظور پایه هایی که $7/5 - 2/5$ سانتی متر قطر دارند انتخاب شده و پس از برش لقی و دادن شکاف از وسط آن، پیوندکی به طول $7/5$ تا 10 سانتی متر که دارای سه برگ و در کنار هر برگ یک جوانه است را در شکاف قرار می دهند. سپس آنرا با نخ محکم بسته و محل زخم را با چسب پیوند می پوشانند. برای جلوگیری از هدر رفتن رطوبت، پیوندکها را در کیسه های نایلونی قرار می دهند.

نکات زیر در زدن پیوند اسکنه ای حایز اهمیت می باشد:

الف - زمان پیوند

زمان پیوند عامل مهمی در موفقیت آن می باشد. به طور کلی مناسبترین زمان پیوند اسکنه چای، در فصل پاییز می باشد. پیوند اسکنه را می توان در هر زمانی از فصل خواب انجام داد و احتمال

موفقیت و جوش خوردن پیوند هنگامی بیشتر است که جوانه‌های پایه متورم شده ولی رشد فعال گیاه هنوز آغاز نشده باشد.

ب - محل اره شدن شاخه

این نکته بسیار مهم است که شاخه در محلی قطع شود که قسمت بالایی باقیمانده پایه، صاف و بدون گره و حداقل دارای ۱۵ سانتی‌متر طول باشد.

پ - پیوندک

در انتهای هر پیوندک، باید برشی زده شود که به صورت یک گوه‌ای بلند درآید که تدریجاً باریک‌شده و حدود ۵ سانتی‌متر طول داشته باشد. باید به این نکته مهم توجه داشت که هم‌پوشانی مناسبی بین لایه زاینده پایه و پیوندک برقرار باشد در غیر این صورت پیوندک احتمالاً رشد نمی‌کند.

از روش‌های تازه‌ای که در تکثیر چای مطرح است خزانه پیوندی می‌باشد، به طوری که همزمان با آماده کردن خزانه‌ها و گرفتن قلمه،

پیوند اسکنه بر روی قله‌ها زده می‌شود.

کایانگ در سال ۱۹۹۰ گزارش نمود که انجام پیوند اسکنه بر روی قلمه‌های چای در خزانه از موفقیتی تا حدود ۹۰ درصد برخوردار می‌باشد به طوری که از قلمه‌های نیمه خشبی دارای یک جوانه به عنوان پایه و از قلمه‌های پیوندی کوتاه که شامل یک برگ و یک جوانه جانبی و ۲ سانتی‌متر طول ساقه در زیر برگ باشند به عنوان پیوندک استفاده شد. سپس محل پیوند با نواری پلی اتیلن محکم پیچیده شده و قلمه‌ها پس از جوش خوردن، زیر پوشش پلی اتیلن در گلدان‌های کوچک و گلدان‌های استاندارد کشت شدند.

۲-۲- کوپیوند شکمی

دلیل نامگذاری این روش در انگلیسی، T بودن برشی است که زده می‌شود. تاکنون شیوندشکمی، رایج‌ترین روش کوپیوند (پیوند جوانه) می‌باشد. استفاده از پیوند جوانه عموماً محدود به پایه‌هایی می‌شود که بین ۶ تا ۲۵ میلی‌متر قطر داشته، پوست آنها نسبتاً نازک بوده و در حال رشد فعال هستند، به طوری که پوست آنها به آسانی از چوب

جدا می شود. جوانه روی پایه، در ۵ تا ۲۵ سانتی متری از سطح خاک، در جایی که سطح پوست صاف باشد، قرار داده می شود.

بعضی بر این باورند که اگر جوانه در جهت وزش باد قرار گیرد احتمال کمی دارد که شاخه حاصله از آن بشکند. در چای برای زدن کوپیوند شکمی پس از انتخاب پایه و پیوندک، روی پایه شکافی به طول ۲ سانتیمتر ایجاد می شود. باید توجه داشت که هم برش عمودی

و هم برش افقی طولانی تر از مقدار لازم زده نشود، زیرا این کار به بستن زیادتری نیاز دارد. در مورد چای برش داده شده به صورت شکمی واژگون است. چون اعتقاد بر این است که در نواحی پرباران همچون شمال کشور، آب به طرف پایین پایه سرازیر شده و وارد

شکاف T مانند می وشد و زیر پوست رامی خیساند که این امر موجب پوسیدگی پیوندک می شود. در چنین مواردی اجرای شکاف به صورت T معکوس نتایج بهتری به بار می آورد زیرا احتمال این که آب اضافی از آن خارج شود بیشتر است.

پس از آنکه برش مناسب در پایه زده شد و شکاف آماده دریافت جوانه شد، قطعه دارای جوانه از شاخه جدا می‌شود. قطعه دارای جوانه باید تا آنجا که امکان دارد نازک باشد اما در عین حال آنقدر ضخامت داشته باشد که محکم بایستد.

پیوندک در چای به همراه مقداری چوب می‌باشد یعنی تراشه نازکی از چوب که درست زیر قطعه جوانه قرار دارد. اگر برش افقی دوم ژرف باشد، این تراشه چوبی همچنان به قطعه جوان چسبیده خواهد ماند و در میان پوست و چوب پایه، در محل برش اول قرار می‌گیرد. قطعه دارای جوانه در قسمت پایین شکاف قرار داده و به طرف بالا فاشر می‌دهند تا برش افقی قطعه جوانه با پایه مطابقت کند. باید به این نکته توجه کرد که قطعه جوانه معمولی نباید به طور وارونه درون شکاف قرار گیرد. با این که جوانه وارونه، حداقل در بعضی از گونه‌ها زنده مانده و رشد می‌کند، اما شاخه‌های ناشی از آن، مورد انتظار را نخواهند داشت. چسب زدن در محل پیوند جوانه لازم نیست، اما باید با استفاده از نوار پلاستیکی پیوندک بر روی پایه بسته

شود. پس از ۳ الی ۴ هفته پیوند جوش می خورد در این زمان نوار پلاستیکی را باز کرده و پایه را از ارتفاع ۲ سانتی متری بالاتر از محل پیوند قطع می کنند (شکل ۲-۲).

بهترین زمان برای عمل پیوند وقتی است که پایه و پیوندک آماده و گیاه به راحتی پوست بدهد.

با توجه به این که عموماً در چای از کوپیوند شکمی و پیوند اسکنه استفاده می شود، سینگ و همکاران در سال ۱۹۸۵ گزارش دادند که کوپیوند لوله ای آسان تر و موفقیت آمیزتر از اسکنه است.

روش ازدیاد چای به وسیله پیوند را می توان برای اصلاح بوته ها و تغییر رقم بکار برد. ولی باتمام این اوصاف پیوند با سایر ازدیاد

رویشی قابل رقابت نیست و در ازدیاد گیاه در مقیاس بالابه عنوان

یک روش مناسب بکار نمی رود. در سال ۱۹۸۵، آنو روش های مختلف

تکثیر را به روی واریته های مختلف در خزانه مورد آزمایش قرار داد.

وی سه روش قلمه، پیوند اسکنه، پیوند نیمانیم (مجاورتی) را بر روی

سه واریته یابوکیتا، فوجی میدوری و یوتاکامیرئری مورد آزمایش

قرار داد. هر وایرته هم به عنوان پایه و هم پیوندک استفاده شد. وی واریته یابوکیتا را به عنوان بهترین پایه اعلام و اظهار کرد، پیوند اسکنه نتایج بهتری نسبت به پیوند نیمانیم می دهدولی به طور کلی میزان رشد و زنده ماندن در قلمه گیری از دو روش دیگر بیشتر و بهتر بوده است.

۳- قلمه

از آن جایی که بین اکثر روش هایی که به عنوان تکثیر بیان شده است، روش قلمه گرفتن کاربردی تر است به این منظور برای آشنایی مطالعه کننده مواردی تخصصی تر در این زمینه مورد بررسی قرار می گیرد. گیاهان دارای دو ویژگی بنیادی می باشند: یکی توانمندی، بدین معنی که هر یاخته زنده گیاه دارای تمام اطلاعات ژنتیکی لازم برای دوباره سازی تمام اندام ها و وظایف گیاهی می باشد، دیگری نوماتمیز شدن، بدین معنی که یاخته های تمایز یافته قابلیت بازگشت به حالت مریستمی راداشته و می توانند نقطه رشد جدیدی ایجاد کنند.

در سال ۱۹۳۱ برای اولین بار امکان استفاده از قلمه‌های تک برگگی از شاخه‌های رشد سال جاری برای ازدیاد تجاری چای گزارش شد. این روش برای چایکاران در ازدیاد درخته‌های باغ‌های جدید بسیار باارزش بود. در سال ۱۹۸۷ با کاربرد قلمه‌های دوبرگی چای در زیر سیستم مه‌پاش، ۸۰ درصد موفقیت در ریشه‌زایی آنها بدست آمد ولی امروزه در ازدیاد چای استفاده از قلمه‌های تک‌برگی متداولتر است. در روش قلمه‌گیری چای، فاکتورهای زیر دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشند که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳- گیاه مادری

این واقعیت وجود دارد که در افزایش قلمه‌ها، منبع قلمه از اهمیت فراوان برخوردار است. درگزینش گیاه مادری برای قلمه‌گیری، گزینش گیاهانی که سالم و بدون بیماری بوده، رشد متعادلی داشته و هویت آنها معلوم باشد بسیار ضروری است. در ضمن شرایط محیطی و وضعیت فیزیولوژیکی مطلوب برای ریشه‌زایی موفقیت‌آمیز قلمه‌ها، بسیار مهم است. گیاهان مخصوص تولید قلمه باید از نظر

رطوبت دما، نور (شدت، مدت و کیفیت)، مواد غذایی و CO₂ کافی در
حدمطلوب باشند.

گیاهان مادری نباید در معرض تشنجهای محیطی (خشکی، دما، مواد
غذایی) قرار گیرند. زیرا تنش باعث مصرف مواد غذایی و کاهش
ذخیره کربوهیدراتی و به تبع آن، کاهش پتانسیل ریشه‌دهی قلمه‌ها
خواهد شد.

مدت تابش نور، شدت نور و طول موج آن بر رشد و ریشه‌زایی بعدی
بوته‌های مادری تاثیر می‌گذارد. در حقیقت، تغییرات فصلی و توانایی
ریشه‌زایی قلمه‌ها همراه با میزان نوری که گیاهان مادری تحت آن
رشد کرده‌اند، مکمل یکدیگر هستند. نشان داده شده که وقتی

گیاهان مادری تحت شرایط نوری کم رشد می‌کنند، رشد ریشه‌های
جدید به سادگی صورت می‌گیرد. با این وجود گزارش‌های متناقضی
در مورد اثرات کیفیت نور بر رشد و ریشه‌زایی قلمه‌های
گیاهان مادری وجود دارد.

دی اکسید کربن کافی، تعداد قلمه‌هایی را که از یک گیاه مادری می‌توان برداشت کرد، افزایش می‌دهد. افزایش فتوسنتز، سرعت رشد نسبی بالا و افزایش شاخه‌دهی گیاهان مادری از دلایل اصلی افزایش عملکرد قلمه می‌باشد. البته باید این امر توجه نمود که افزایش CO₂ بدون نور کافی موثر نمی‌باشد (مولیتور و وان هنینگ)

۲-۳- تغذیه گیاه مادری

تغذیه گیاهان مادری نیز از عواملی است که دارای اهمیت زیادی می‌باشد. به طور مثال اگر میزان ازت در گیاه مادری پایین باشد، باعث کاهش قدرت گیاه و اگر میزان ازت زیاده باشد باعث افزایش رشد رویشی می‌شود که در دو حالت برای ریشه‌زایی قلمه‌ها مشکل‌آفرین است. برای برقراری توازن بین ازت و کربوهیدرات مناسب در گیاهان مادری به منظور ریشه‌دهی مطلوب قلمه‌ها، موارد زیر را باید مورد توجه قرار داد:

۱- کاهش در میزان ازت گیاه مادری موجب کاهش رشد شاخساره و

انباشت کربوهیدرات‌های می‌شود. هر روشی که رشد ریشه‌های گیاه

مادری را محدود می سازد مانند کاشت گیاه در گلدان و ردیف های نزدیک به هم، موجب کاهش رشد رویشی و انباشت کربوهیدرات ها نیز می شود.

۲- برای قلمه گیری باید بخش هایی از گیاه مادری که از نظر مواد غذایی مطلوب است همانند شاخساره های جانبی که در آنها کربوهیدرات انباشته شده است گزینش شوند. البته گزارش هایی هم در مورد استفاده از شاخه های انتهایی به عنوان جایگزین قلمه های نیمه خشکی، داده شده است.

سال ۱۹۹۹، نیریندا و فانگ طی آزمایشی که در سه ایستگاه در مالایو و یک ایستگاه در زیمباوه انجام دادند نتیجه گرفتند که زمانی که از شاخساره های قابل برداشت به عنوان قلمه استفاده می شود (شکل ۱-۳) موفقیتی به میزان ۹۵ درصد بدست ییم آید، در صورتی که در حالت عادی و در زیر سیستم مه پاش موفقیت ریشه زایی فقط ۵۰ درصد بوده است.

در سال ۱۹۷۷ نیریندا و فانگ گزارش دادند حذف جوانه انتهایی از شاخساره‌های قابل برداشتی که به عنوان قلمه استفاده می‌شود، موجب افزایش موفقیت در ریشه‌زایی کلون P۳۸۶ می‌شود، همچنین آنها باین کردند زمانی که این قلمه‌ها در محلول شکر قرار گرفتند، ریشه‌زایی بهتری نسبت به هورمون ایندول بوتریک اسید از خود نشان دادند.

بخش‌هایی از شاخساره باید برای تهیه قلمه‌ها گزارش شوند که بین ازت و کربوهیدرات توازن مناسبی برقرار باشد که این حالت در بخش‌های میانی و پایینی شاخساره‌ها نمود دارد و برای ریشه‌زایی خوب مورد نظر قرار می‌گیرد. البته قسمت‌های پایینی به علت خشبی شدن برای قلمه‌گیری چای مناسب نمی‌باشد.

برای ایجاد سرشاخه‌های متناسب چای، در کنیا مصرف دو نوبت کود به مقدار مورد نیاز در باغ برای بوته هیا مادری توصیه شده است. اما از عناصر غذایی ضروری، عنصر روی به علت سنتز و افزایش تولید اکسیژن در درون گیاه و در نتیجه افزایش در میزان تریپتوفان (یک

پیش نیاز اکسیژن)، در ریشه‌زایی قلمه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است.

براساس گزارش رانگاناتان (۱۹۸۰) قلمه‌های چای حاصل از بوته‌های مادری که یک هفته قبل از سرشاخه‌گیری با سولفات روی تیمار شده بودند ریشه‌زایی بهتیر داشتند. این محقق، ترکیبی از کودها را به همراه سولفات روی در خزانه و باغ مادری موثر توصیف نموده است.

آی دی سینگ (۱۹۸۸) نیز ۲ تا ۳ نوبت محلولپاشی بوته‌های مادری با سولفات روی ۱٪ را قبل از تهیه قلمه چای برای ریشه‌زایی بهتر آن توصیه کرده است.

کولاسگارام (۱۹۸۱) ضمن بررسی زمان‌های مناسب قلمه‌گیری از بوته‌های مادری چای، مصرف برگ‌گی (محلولپاشی) سولفات روی و اوره را با غلظت ۲ تا ۳٪ در باغ بوته‌های مادری توصیه می‌کند. در سریلانکا نیز محلولپاشی سولفات روی همراه اوره حدود دو ماه قبل از سرشاخه‌گیری توصیه شده است به طوری که این محلولپاشی

منجر به تولید شاخساره‌های قوی و دارای رشد فعال در چای می‌شود.

در مورد استفاده از عنصر بر و تاثیر آن بر روی ریشه‌زایی قلمه‌ها نیز گزارشهایی وجود دارد به طوری که بر با تاثیر بر روی آن‌ریم ایندول استیک اکسیداز باعث تسهیل در ریشه‌دهی قلمه‌های می‌شود. شایان ذکر است که فعالیت بر به همراه هورمون ایندول بوتیریک اسید تاثیر بهتری بر روی ریشه‌زایی قلمه‌ها دارد.

از یازده عنصری که در یک بررسی بر روی رقم‌های سخت ریشه‌زایی و آواکادو صورت گرفته بود چنین نتیجه حاصل شد که وجود منگنز، به خاطر فعال کردن آنزیم ایندول استیک اکسیداز که اکسین را از بین می‌برد و همچنین کاهش اکسین طبیعی در پایین قلمه‌ها، ریشه‌زایی قلمه‌ها را کاهش می‌دهد.

در حال حاضر بررسی اثرات تغذیه روی ریشه‌زایی قلمه‌ها بسیار مشکل است زیرا تعداد کمی از مطالعات و آزمایشات در مورد اثر

عناصر غذایی در مراحل تشکیل ریشه صورت گرفته است (بلازیچ

۱۹۸۹).

برای دستیابی به ریشه‌زایی موفق این موضوع قابل توصیه به

چایکاران است که بخشی از باغ را به گیاهان مادری اختصاص دهند و

به عنوان منبعی برای ازدیاد از آنها استفاده کنند. در این بخش گیاهان

مادری یکنواخت شبیه به اصل و بدون بیماری نگهداری شده و

شرایط غذایی مناسب برای آنها فراهم می‌آید. به طوری که در این

قطعات، برداشت برگ برای تولید چای صورت نمی‌گیرد تا قلمه‌هایی

که از آنها گرفته می‌شوند بهترین ریشه‌زایی را داشته باشند البته در

بعضی موارد در صورت نداشتن گیاهان مادر به مقدار کافی، قلمه‌ها

را از بوته‌هایی که برگچین در آن صورت گرفته انتخاب می‌کنند که

ریشه‌زایی این قلمه‌ها بسیار ضعیف گزارش شده است. گیاهان مادری

باید حای در مواردی که به طور منظم از آنها قلمه گرفته نمی‌شود

وهرس آنها به طور مرتب و منظم صورت می‌گیرد تا نقاط رشد

جدیدی بر روی آن به وجود آید.

۳-۳- سن گیاه مادری

گیاهان در چرخه زندگی خود از مراحل جنین، نونهالی، انتقال و بلوغ

عبور کرده و پس از رشد و کامل شدن سرانجام پیر شده و می‌میرند.

مرحله نونهالی دوره آغاز رشد است که در آن مریستم‌های انتهایی

هیچ واکنشی به عوامل داخلی یا خارجی برای آغاز گلدهی ندارند. این

مرحله با افزایش شدید جثه، مقاومت به بیماری‌ها و توانایی زیاد برای

تولید ریشه و ساقه‌ها نابه‌جا و... قاتل تشخیص است. رابطه بین سن

درخت و ریشه‌زایی قلمه‌ها توسط گاردنر (۱۹۲۹) بیان شده است. از

این به بعد گزارش‌ها نشان دادند که درختان در مرحله نونهالی

سریع‌تر از دوره بلوغ ریشه می‌دهند (تریپی ۱۹۸۹). کاهش توانایی

تولید ریشه‌ها یا ساقه‌های نابجا با بلوغ مرتبط است.

شارما در سال ۱۹۸۲ گزارش داد که شاخه‌های حاصل از گیاهان

کلون دو ساله، بعد از ۱۴ تا ۱۶ هفته ریشه‌دار شدند، اما فقط ۲۸ تا

۵۹٪ از قلمه‌های گرفته شده از بوته‌های مادری ۳۰ ساله بعد از ۱۶

هفته ریشه‌دار شدند. ونکاتارامانی در سال ۱۹۶۳ بیان کرد با هرس

مناسب میزان ریشه‌زایی بوته‌های مسن بالا می‌رود و به حد بوته‌های جوان می‌رسد.

کاهش در پتانسیل ریشه‌دهی همراه با سالمند شدن گیاهان را احتمالاً می‌توان این‌طور توجیه کرد که در بافت‌های مسن اولاً میزان بازدارنده‌های ریشه‌زایی زیاد است ثانیاً میزان موادفنولیکی پایین می‌باشد (فنول به عنوان کوفاکتورهای اکسیت عمل می‌کنند). قوتی که گیاهی به حالت بلوغ می‌رسد، تمایل پیدا می‌کند که به همان صورت باقی بماند. همان طوری که در بالا بیان شد. در این مرحله پتانسیل ریشه‌زایی پایین می‌باشد، شیوه‌های مختلفی در باغبانی وجود دارد که می‌تواند گیاهان بالغ را به حالت نونهالی (بازجوان‌سازی) برگرداند که

تعدادی از آن عبارتند از:

۱. تحریک تولید ساقه‌های نابجا پیوندهای مکرر
۲. کست‌های فرعی پیاپی از مریستم انتهایی در ریزازدیادی
۳. تیمار گیاهان با اسید جیبرلیک

۴. برداشتن جوانه‌های جانبی و انتهایی گیاه مادری و محلولپاشی با آمیزه‌ای از سایتوکنین و اسیدتری - ایندوبنزواتیک و آلاز.

در چای از یک طرف برای تهیه چای خشک نیاز به برگ‌های شاداب و جوان می‌باشد که این عمل با سربرداری به طور متناوب انجام می‌شود و از طرف دیگر برای تهیه قلمه نیز گیاهان مادری دوبار در سال هرس می‌شوند (آخر پاییز و تابستان) تا شاخساره‌های مناسب برای تهیه قلمه تولیدکنند. پس در باغ‌های چای تقریباً حالت نونهالی وجود دارد.

۴-۳- نوع چوب‌گزینش شده

انواع مختلف چوب (در چند ساله‌های چوبی) از شاخه‌های آبدار انتهایی سال جاری تا چوب‌های سخت شاخه‌های چند ساله، قابلیت قلمه‌گیری دارند. در چای در تهیه قلمه از شاخه‌های کاملاً رسیده و خشبی که رنگ چوب آنها قرمز شده باشد و نیز از آنهایی که بدفرم رشد کرده و یا از رشد عقب افتاده‌اند و یا از آن تعداد قلمه‌های بخش انتهایی که شانس زنده ماندنش و وابسته به شرایط خزانه است،

خودداری می شود و بیشتر از شاخه های اولیه که پس از هرس زیاد بلندنشده و دارای جوانه های انتهایی و جانبی فعال یا نیمه فعال می باشند استفاده می شود.

۵-۳- تفاوت میان تک بوته های چای

تجربه نشان داده است که همان طوری که از جهات مختلف دانهال ها دارای صفات متفاوتی نسبت به همدیگر می باشند، این تفاوت نیز در قابلیت ریشه دهی آنها به علت تفرق صفات مشاهده می شود، به همین دلیل در تکثیر چای هنگامی که دانهال ها، قلمه تهیه می شود باید این تفاوتها را در ریشه دهی پیش بینی کنیم.

یاماشیتا و همکاران (۱۹۹۸) رابطه مناسبی بین ریشه زایی و نوع وارپته در چای گزارش کردند، آنها تعداد ریشه های نابجا قلمه های ۹ ماهه سه وارپته آسامی، چینی و ژاپنی را از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۸۶ مورد مقایسه قرار دادند و نتیجه گرفتند وارپته های ژاپنی ریشه های نابجا با زاویه ۷۵-۶۵ درجه تولید کردند که تعداد ریشه های نابجا با قطر بیش از یک میلی متر در این وارپته هفت عدد یا بیشتر بود، وارپته های

آسامی و چینی دارای زاویه ریشه‌دهی کمتری (حدود پانزده درجه کمتر از وارسته ژاپنی) و نیز تعداد ریشه‌های نابجای کمتری نسبت به وارسته ژاپنی از خود نشان دادند. این نتایج نشان می‌دهد که تفاوت‌های ژنتیکی در جهت رشد ریشه نابجا وجود دارد و نیز این که وارسته‌های چینی و آسامی سیستم ریشه‌دهی عمیق‌تری نسبت به وارسته‌های ژاپنی دارند.

۶-۳- تفاوت‌های میان بخش‌های مختلف شاخه

در بسیاری از گیاهان چوبی، تفاوت‌های زیادی در ریشه‌زایی قسمت‌های مختلف یک شاخه که از آن قلمه گرفته می‌شود مشاهده می‌شود، به طوری که در بیشتر موارد بالاترین ریشه‌زایی در قلمه‌هایی دیده می‌شود که از بخش‌های پایین شاخه‌ها گرفته شده است. از آنجایی که آغازنده‌های ریشه از پایین به سمت بالا در گیاهان کاهش پیدا می‌کند پس می‌توان ریشه‌دهی مناسب در قسمت پایین شاخه‌ها را از آن نتیجه گرفت.

کوبالیا در سال ۱۹۸۴ در بررسی خود روی میزان ریشه‌دهی قلمه

چای نسبت به خواص مختلف،

مشخص نمود که علی‌رغم وجود همگنی ژنی در گیاهان مادری،

تفاوت در میزان ریشه‌زایی قلمه‌ها وجود دارد که به خواص

فیزیولوژیکی قلمه‌های همان شاخه مربوط می‌شود. اگر قلمه‌ها از

بخش‌ها فعال شاخه تهیه شوند بیشترین ظرفیت ریشه‌دهی را دارند

و گیاهانی با حداکثر رشد تولید می‌نمایند.

در چای به طور معمول از هر شاخه با حذف قسمت انتهایی ۶ تا ۷

قلمه گرفته می‌شود که قسمت‌های پایین شاخه ظرفیت ریشه‌دهی

بهتری دارند (شکل ۲-۳).

۳-۷- شاخه‌های گلدار و رویشی

در گیاهان سخت ریشه‌زا یکی از عواملی که باعث کاهش ظرفیت

ریشه‌دهی می‌شود وجود گل بر روی قلمه‌ها است که طی بررسی‌های

صورت گرفته حذف غنچه گل باعث حذف مواد محرک‌گلدی که با

ریشه‌دهی نقابل دارند می‌شود و در نتیجه ریشه‌دهی افزایش پیدا می‌کند.

بنابراین باززایی ریشه در قلمه‌هایی که قبل و یا بعد از گلدهی تهیه می‌شوند بیشتر از قلمه‌هایی بوده است که در زمان گلدهی از بوته مادر یگرفته شده بودند. در نهایت برای چای بهترین زمان سرشاخه‌گیری برای تهیه قلمه‌زنی زمانی است که بوته‌های مادری دارای حداکثر رشد رویشی و بدون گل باشند و در صورت مشاهده گل اقدام به حذف آن شود تا ریشه‌دهی مطلوبی را در قلمه‌ها شاه باشیم.

۸-۳- نحوه برش

یکی از مواردی که در قطع شاخه‌ها و ایجاد قلمه بسیار حائز اهمیت می‌باشد نحوه برش می‌باشد به طوری که در برش قلمه چای باید سعی شود قسمت انتهایی برش ساقه درست کمی بالاتر از جوانه جانبی کنار برگ باشد و سطح مقطع تقریباً با سطح برگ در یک صفحه قرار گیرد و مقطع پایین مواز یبا برگ و سطح برش باید کاملاً

صاف باشد. بزبارو اهمیت روش قطع برش قلمه را روی چهار کلون بررسی نمود و مشاهده کرد، در صورتی که برش بالای جوانه در جهت شیب برگ و برش پایین قلمه نیز مخالف آن زده شود، درصد ریشه زایی در بیشترین میزان و زمانی که پایین قلمه موازی برش بالا و یا صاف زده شود، درصد ریشه زایی کمتر می شود. بررسی های انجام شده نشان می دهد که در هنگام تهیه قلمه، اگر شاخه در دست گرفته شود و با یک چاقوی نیز عمل برش بدون قرار گرفتن به روی تکیه گاهی، صورت گیرد به قلمه هیچگونه آسیبی وارد نمی شود و درصد موفقیت آن نیز بیشتر است.

۹-۳- زمان تهیه قلمه

بهترین فصول قلمه گیری برای تکثیر چای، اواخر بهار، اواسط تابستان و اواسط پاییز می باشد. به این منظور بوته های چای را هر سال دو بار بعد از بهار و یا پاییز هرس می نمایند تا سرشاخه های لازم برای تهیه قلمه در پاییز یا بهار سال بعد بدست آید. در رقم های چای وضع جوانه زدن و طول دوره خواب که احتمالاً ناشی از اثرات

شرایط محیطی مانند خاک و آب و هواست با هم فر دارند. از این رو زمان تهیه قلمه نیز از رقمی به رقم دیگر و حتی در یک رقم با توجه به موقعیت جوانه محوری در نقاط مختلف ممکن است فر نماید و اصولاً بهترین زمان برای تهیه قلمه از بوته‌های مادری، قبل از شروع شاخه‌زایی شدید می‌باشد. در ایران قلمه‌گیری از چای در دو زمان اوایل تیر ماه و پاییز به عمل می‌آید. تحقیقات نشان داده است که قلمه‌هایی که در اواخر بهار و اوایل تابستان گرفته شده‌اند ریشه‌زایی بهتری نسبت به آنهایی که در پاییز گرفته می‌شوند دارند. شاید افزایش درصد ریشه‌زایی در بهار و تابستان نسبت به پاییز مربوط به بافت قلمه‌ها و رشد کافی قلمه‌ها روی بوته مادری باشد که از نظر فیزیولوژیکی شرایط لازم را برای ریشه‌زایی دارند ولی با گذشت زمان و تشکیل بافت‌های سلولزی بیشتر در قلمه‌ها و کاهش هورمون‌های مولد ریشه و دگرگونی شرایط رشد و کاهش درجه حرارت و نور، ریشه‌زایی در قلمه‌های پاییز کاهش می‌یابد. با نگاهی دیگر به این دو زمان می‌توان بیان داشت که قلمه‌های کشت

شده در شهریور ماه با زمان کاشت تیر و مرداد اختلاف زمانی زیاد دارند و در موقع تهیه قلمه برای کشت در شهریورماه، قلمه‌ها تقریباً خشبی می‌باشند و در پاییز نیز چون قلمه‌ها از شاخه‌های هرس شده در اواخر مرداد ماه بدست می‌آیند از نظر فیزیولوژیکی رشد کافی نکرده‌که در نتیجه درصد ریشه‌زایی قلمه‌های چای کاهش می‌یابد.

۱۰-۳- زخم‌زنی

تولید ریشه می‌تواند در بعضی از گونه‌ها با عمل زخم‌زنی انتهای قلمه‌ها آسان شود. در اغلب گونه‌ها این روش باعث افزایش تولید پینه و نمو ریشه‌ها در حاشیه زخم‌ها می‌شود و علت آن شاید به خاطر تجمع اکسین‌ها و کربوهیدرات‌ها، زیاد شدن میزان تنفس، افزایش تحریک‌بافت‌های آسیب دیده در اثر زخم‌زنی برای تولید اتیلن، جذب آب بیشتر در اثر زخم و همچنین افزایش در میزان جذب تنظیم‌کننده‌های رشد به کار گرفته شده توسط بافت‌های ته قلمه‌های باشد که این موارد تشکیل ریشه‌های نابجا را تسهیل می‌کند.

در بافت ساقه بعضی از گونه‌ها در بخش پوست یک حلقه اسکلرانشیمی از یاخته‌های فیبری سخت در خارج از نقطه‌ای که منشاء ریشه‌های نابجا است وجود دارد و این حلقه به عنوان یک عامل مکانیکی از خروج ریشه‌های نابجا جلوگیری می‌کند. زخم باعث شکسته شدن حلقه اسکلرانشیمی در ناحیه پوست شده و خروج ریشه‌ها را تسهیل می‌کند.

در چای اثر مفید زخم‌زنی در بهبود ریشه‌زایی قلمه گزارش شده است. البته باید به این نکته توجه داشت که اثر زخم‌زنی در ریشه‌دهی زمانی موثر خواهد بود که قلمه‌ها در محیط ریشه‌زایی مناسب قرار گیرند و این امر به pH، میزان آلودگی محیط ریشه‌زایی و عوامل بیماری‌زا بستگی دارد.

۱۱-۳- اثر برگ و جوانه‌ها

ژولیوس ون ساکس (۱۸۸۰)، اولین فردی بود که اظهار کرد، برگ‌های جوان و جوانه‌های فعال دارای موارد رشد گیاهی قابل انتقالی هستند که ریشه‌زایی را افزایش می‌دهند. در سال ۱۷۵۸، دوآمل دومونسه

تشکیل ریشه‌های نابجا روی ساقه را براساس حرکت رو به پایین شیره گیاهی توجیه کرد. برای آگاهی بیشتر روی این موضوع، ساکس متخصص فیزیولوژی گیاهی در سال ۱۸۸۲ وجود یک ماده ریشه‌زایی اختصاصی را به اثبات رسانید که در برگ‌ها ساخته می‌شود و ریشه‌زایی را نیز آسان می‌کند.

وان درلک در سال ۱۹۲۵ نشان داد که وجود جوانه، نمو ریشه‌ها را در ناحیه زیر جوانه آسان می‌کند. چنین فرض شده بود که مواد شبیه هورمونی در جوانه‌های در حال رشد ایجاد می‌شود.

وجود برگ‌ها و جوانه‌ها اثر زیاید روی ریشه‌دهی قلمه ساقه دارند. در بسیاری از گیهان، وجود جوانه، به عنوان منبع تولید اکسین است و برگ‌ها منبع تولید کربوهیدرات‌ها می‌باشند.

الف - اثر جوانه‌ها

کایانگ در سال ۱۹۸۳ نشان داد که در موفقیت ریشه‌زائی قلمه‌های چای، برگ مادری و جوانه بسیار مؤثرند و به این منظور قلمه‌های تک یا دو جوانه‌ای کلون P.C۸۷ را که دارای ۰-۲ برگ و ۰-۲ جوانه بود

در ماه آئرل در خزانه کشت نمود و متوجه شد قلمه‌هایی که برگ یا برگ‌هایشان را از دست داده بودند نتوانستند زنده بمانند ولی آنهایی که جوانه‌هایشان از بین رفته بودند با توجه به این که با ترکیبات زیادی تیمار شده بودند با اختلاف ناچیزی پس از ۵ ماه حداقل ۹۵٪ زنده ماندند و تمامی آنها نیز ریشه‌دار شدند.

حذف جوانه‌ها در قلمه، به ویژه در گونه‌هایی که ریشه هنوز فرم نگرفته است، موجب می‌شود که ریشه اصلاً تشکیل نشود. یک حلقه برداری از پوست زیر جوانه در این گیاهان موجب می‌شود که تشکیل ریشه‌دهی کاهش یابد که این بیانگر تاثیر برخی از موادی است که در افزایش ریشه‌دهی فعال هستند و توسط آوندهای آبکش از بخش تحتانی جوانه در قلمه انتقال می‌یابند. قلمه‌های چوبی در زمانی که جوانه‌ها در دوره استراحت‌اند (یعنی اواسط زمستان) هیچ گونه اثر تحریکی در ریشه‌زایی آنها مشاهده نمی‌شود اما زمانی که جوانه‌ها فعال‌اند یعنی در پاییز و بهار، بطور بارزی در تقویت ریشه‌زایی موثرند.

در قلمه‌های تک جوانه‌ای در کلون‌های بزرگ درشت، موقعی بهترین نتیجه حاصل می‌شود که سطح برگ به نصف کاهش یابد اما در قلمه‌های چند جوانه‌ای، صرف‌نظر از اندازه برگ، معلوم شده است که با کاهش سطح برگ درصد ریشه‌زایی به طور بارزی کاهش می‌یابد و با توجه به افزایش میزان و طول بافت‌های ساقه در قلمه‌های چند جوانه‌ای، حفظ سطح کامل برگ برای جذب آب و سوخت و ساز کربوهیدرات‌ها ضروری می‌باشد.

در سال ۱۹۷۵، باتز با مقایسه تیپ‌های مختلف قلمه چای، اهمیت جوانه در رشد بیشتر ریشه را بررسی نمود. او در آزمایش خود سه نمونه از قلمه‌های (a) تک جوانه‌ای، (b) جوانه در حال رشد همراه به سه برگ و (c) جوانه در حال خواب همراه با سه برگ را با هم مقایسه نمود. در دو نوع اول مقایسه برای دو کلون چای بود که عکس‌العمل‌های کلون به طور قابل ملاحظه‌ای اختلاف داشت. درصد ریشه‌زایی در تمام نمونه‌ها بالا بود و پس از هفت ماه، درصد زنده

ماندن نمونه‌دارای اختلاف ناچیزی بود. با استفاده از قلمه‌های تیپ (b) درصد وزن خشک ریشه زیاد و رشد آن خیلی بیشتر بوده است.

ب - اثر برگ‌ها

ریشه‌زایی موفق در قلمه‌ها به یک سری از عوامل همراه هورمونی بستگی دارد که همراه با اکسین موجب می‌شود تا قلمه‌ها ریشه‌دار شوند. منبع این عوامل همراه هورمونی معمولاً برگ‌ها هستند. برگ‌ها مخصوصاً اگر جوان باشند تشکیل ریشه در قلمه را افزایش می‌دهند و از بین بردن برگ در قلمه‌ها به مقدار زیادی موفقیت ریشه‌زایی را کاهش می‌دهد. مواد قندی و ازته که در برگ‌ها تولید می‌شوند احتمالاً از عوامل همراه هورمونی ریشه‌زایی هستند و مشخص شده‌است که ترکیبات فنلی همچون اسید فنولیک، ماتلون، اسید کلروژنیک در تاثیر متقابل با اکسین شروع ریشه‌زایی را موجب می‌شوند. زمانی که ریشه‌های نابجا از ته قلمه شروع به رشد می‌کنند، ریشه‌ها باید از میان بافت ساقه عبو کند بنابراین وجود کربوهیدرات که لازمه تولید

و عمل اکسین می باشد اهمیت زیادی دارد و برگ ها به عنوان محل تولید کربوهیدرات نقش بازی می کنند.

در سال ۱۹۶۰، باروا و ارلییر گزارش نمودند که اگر سطح برگ در قلمه های تک برگی چای به نصف کاهش یابد نتایج بهتری بدست می آید. در کلون هایی که در اندازه برگ آنها کمتر از ۷۰ اینچ مربع است، قلمه ها با برگ کامل موفقیت بهتری از خود نشان می دهند در

صورتی که کلون هایی که سطح برگ آنها بیشتر از ۸۰ اینچ مربع است با کاهش سطح برگ به نصف، موفقیت بیشتری در ریشه دهی داشته علاوه بر آن امکان کاشت تعداد بیشتری قلمه در خزانه وجود دارد. در سال ۱۹۷۷، بیزباروا در کلون TV۱ چای بهترین نتیجه را برای

قلمه های تک برگی بدست آورد. در سال ۱۹۸۳، کولاسگرام در تاثیر برگ مادری قلمه بر روی رشد نهال چای جوان گزارش نمود که با حذف برگ مادری، رشد اولیه به مدت ۱۲ هفته متوقف می شود ولی در موقعی که سطح برگ به نصف کاهش یابد این مدت به ۸ هفته تقلیل

خواهد یافت. با توجه به تمام این مطالب نتیجه گیری می شود که

قلمه‌های یک برگی (شکل ۴-۳) در چای بهتر و اقتصادی‌تر می‌باشند و فقط در بعضی از کلون‌های خاص قلمه‌های چند برگی برای ازدیاد مناسب هستند و در بقیه کلون‌ها اگرچه قلمه‌های چند برگی در ابتدا شاخه بیشتری تولید می‌کنند ولی در مراحل بعدی ریشه‌زایی خوبی ندارند.

۱۲-۳. عوامل موثر در ریشه زایی قلمه ها

الف. جابه‌جایی

بسیاری از تولیدکنندگان ترجیح می‌دهند که قلمه‌ها را از گیاهان مادری در سپیده دم که شاخه‌ها هنوز شاداب هستند بگیرند. اگر قلمه‌های تهیه شده بلافاصله استفاده نشود باید آنها را مرطوب نمود تا تبخیر کاهش یابد با این که شب در یخچال ۴ تا ۸ درجه سانتی‌گراد نگه داشته تا به تدریج،

روز بعد بکار گرفته شوند. در آزمایشی که بر روی قلمه‌های گونه‌های چوبی در مناطق معتدله صورت گرفت، دمای کم و نگهداری قلمه‌ها در

کیسه‌های کرباسی، بسار مؤثر بوده است.

قلمه‌های تهیه شده بعضی از گیاهان، در کیسه‌های پلاستیکی با رطوبت زیاد، دمای ۴ درجه سانتیگراد و شدت نور کم عمر انباری مناسبی دارند. آغشتن ته قلمه به سوکروز ۲ تا ۵ درصد به مدت ۲۴ ساعت پیش از انبار کردن، ریشه‌زایی را بهبود می‌بخشد. نیترات نقره و تیوسولفات نقره بازدارنده اتیلن می‌باشند و در نگهداری عمر انباری قلمه‌ها بمنظور ریشه‌زایی بهتر، موثر می‌باشند.

اسید آسبیزیک نیز تعری در قلمه‌ها کاهش می‌دهد و ممکن است تا حدودی در جابه‌جایی و انبار کردن قلمه‌ها موثر باشد.

در درون یک انبار بهترین کار این است که رطوبت ۱۰۰٪ برسد و دما تا آنجا که گونه انبار شده می‌تواند تحمل کند پایین آورده شود.

کاستن از میزان اکسیژن و اتیلن و افزودن گاز کربنیک (در انبارهای با اتمسفر کنترل شده) به حفظ ظرفیت ریشه‌دهی کمک می‌کند. دوره انبارداری از چند روز تا چند ماه به مواد ذخیره شده قلمه، پایداری در برابر یخبندان و درجه چوبی شدن مواد بستگی دارد. در مورد چای با

توجه به برگدار بودن قلمه‌ها عمل نگهداری قلمه پس از گرفته شدن در صبح زود در چتایی (گونی‌های کنفی) با رطوبت بالا صورت می‌گیرد.

ب. تنظیم کننده‌های رشد

ونت در اوایل قرن بیستم اظهار نمود که بدون وجود مواد رشد، گیاه رشد نمی‌کند. امروزه در مورد نقش مهم مواد رشد گیاهی در عالم گیاهان تردیدی وجود ندارد. در سال‌های اخیر نیز این امر به طور وسیعی در کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما حداکثر پتانسیل استفاده از آنها نامعلوم است.

هورمون‌های گیاهی، ترکیبات آلی غیر از مواد غذایی هستند که در مقادیر و غلظت‌های بسیار کم فرایندهای فیزیولوژیکی را تشدید، تضعیف و یا تنظیم می‌نمایند و برای تاثیرگذاری نیازی به کوفاکتورهای آنزیمی ندارند. معمولاً هورمون‌ها در گیاهان از محل تولید به محل عمل در حرکت می‌باشند. گروه‌های مختلف مواد تحریک کننده رشد گیاهی نظیر اکسین‌ها، سایتوکینین‌ها، جیبرلین‌ها، اتیلن، براسیتواسترین و مواد بازدارنده مانند اسید آبزیک، کند کننده‌های

رشد و فنولیک‌ها بر ریشه‌زایی تاثیر دارند. امروزه ناشن داده شده است که اکسین‌ها مهمترین اثر را بر ریشه‌زایی داشته و به صورت تجارتي کاربرد دارند. تحقیقات زيادي در ریشه‌زایی با تركيبات شناخته شده در مورد نقش مواد تنظيم کننده رشد گیاهی انجام شده و تحقیقات برای کشف تحریک کننده‌ها و بازدارنده‌های این فرایند ادامه دارد. با این حال، مشکل عمده در رابطه با ارزایی اثرات مواد رشد گیاهی بر ریشه‌زایی، تنوع فوَالعاده زياد این تركيبات است.

ج. بستر کشت قلمه

بستر کشت ریشه‌زایی چهار وظیفه به عهده دارد:

۱- نگهداشتن قلمه‌ها در حین ریشه‌زایی در محیط کشت

۲- تامین رطوبت برای قلمه

۳- امکان نفوذ و تبادل هوا در پایین قلمه

۴- ایجاد یک محیط تاریک و کدر برای کم کردن نفوذ نور در پایین

قلمه‌ها.

یک بستر کشت مطلوب باید دارای خلل و فرج کافی برای تهویه با ظرفیت نگهداری رطوبتی مناسب، زهکش خوب و بدون عوامل بیماری‌زا باشد. بستر کشت به کار گرفته شده در خزانه باید دربرگیرنده دو بخش، مواد آلی و مواد کانی باشد.

الف- مواد آلی شامل خاک اره، خاک برگ، پوسته برنج و... که به آسانی پوسیده می‌شوند و خلل و فرج را کاهش می‌دهند و نسبت کربن به نیتروژن بالایی دارند که می‌تواند پس از شروع رشد ریشه مشکلاتی ایجاد کند.

ب- مواد کانی به منظور بالا بردن نسبت منقذهای بزرگ پر از هوا است و شامل ماسه، صدف‌بازشده، ورمی کولایت و غیره است.

بستر قلمه چای باید شنی لومی، با بافت نرم یا متوسط، اسیدی و با pH حدود ۴/۵ تا ۴/۸ باشد. pH بستر قلمه می‌تواند در تولید ریشه‌های نابجا اهمیت قابل توجهی داشته باشد. pH بالاتر از ۵/۵ برای خزانه چای مناسب نیست، زیرا علی‌رغم افزایش تشکیل کالوس، به طور ناگهانی سبب تاخیر ریشه‌زایی می‌شود و ریشه گیاهان

در نتیجه افزایش pH در خزانه به علت بیماری Bittenoff از بین می روند.

ریشه‌زایی در قلمه‌های چای به طور بحرانی وابسته به محیط ریشه‌زایی می‌باشد، بنابراین هر خزانه باید بهترین خاک را داشته باشد. بهترین خاک برای ریشه‌زایی قلمه‌های چای، خاکی بابافت شنی لومی اسیدی با مقدار هوموس پایین می‌باشد. از کاربرد خاک‌های رسی به علت تهویه کم و زهکشی نامناسب باید اجتناب کرد.

طی آزمایش در سال ۱۹۸۶ نشان داده شد که تشکیل کالوس و ریشه‌دهی در خاک با pH کمتر از ۵ بهتر صورت می‌گیرد. شارما در سال ۱۹۷۶ گزارش داد در pH های پایین از ۵، کالوس‌زایی صورت می‌گیرد که این امر باعث کاهش تشکیل ریشه در قلمه‌ها می‌شود. در صورتی که محیط ریشه‌زایی دارای اسیدیته بالا و فاقد مواد غذایی باشد بهتر است که از خاک زیرین حاصلخیز استفاده شود. حتی کاربرد یک خاک زیرین اسیدی بهتر می‌باشد.

در سال ۱۹۷۲، کایانگ گزارش نمود در گلدان‌هایی که از لایه‌های نازک خاک سطحی پر شده‌اند، ۹۲٪ قلمه‌های کشت شده در آن، بعد از شش ماه زنده ماندند که این میزان در مقایسه با قلمه‌های کشت شده در گلدان حاوی خاک زیرین ۸۰٪ بود.

سال ۱۹۸۳، بوردولی گزارش کرد که با استفاده از خاک زیرین، در خزانه‌های چای قلمه‌های ریشه‌دار شده رقم TV۱۸، TV۱ و TV۲۰ به گلدان‌های پلاستیکی که از خاک سطحی خالص، خاک عمقی خالص و خاکی که دارای یک تا چند ماده آلی و معدنی بود انتقال داده شد. پس از یکسال در گلدان‌هایی که خاک عمقی همراه با ۱۰ گرم سوپرفسفات بود از سه کلون بالا به ترتیب ۶۷، ۸۷ و ۹۵٪ نهال‌ها زنده ماندند در حالی که با خاک سطحی این نسبت به ترتیب ۵۶، ۸۱ و ۹۳٪ بوده است. در اکثر تیمارها اختلاف وزن خشک در ریشه و شاخه کم بود و همچنین خاک عمقی خالص نیز نتیجه ضعیفی داد.

ویزر از کارشناسان برجسته جهانی چای گزارش داد خاکی که دارای بافت ویز با خلل و فرج کافی و pH تا ۴/۵ باشد برای کشت چای

مفید است. ویزر رابطه مناسبی بین بافت و pH نیافت. او معتقد است که خاک‌های بسیار حاصلخیز موجب ریشه‌زایی خوب نمی‌شود.

در سال ۱۹۸۹ گزارش داده شد که اثر ضایعات پوسیده چای حاصل از مواد قلمه‌ای و بقایای گیاهی به همراه خاک زیرین در ریشه‌زایی قلمه‌های چای بسیار مفید واقع می‌شود.

آب

در تکثیر گیاهان از طریق قلمه‌های برگدار، حفظ قلمه بدون تلفات تا تولید ریشه مسئله مهمی می‌باشد. اگرچه وجود برگ روی قلمه، محرک قوی در تشکیل ریشه‌های اولیه می‌باشند، ولی تبخیر آب از برگ‌ها موجب می‌شود که میزان آب قلمه‌ها به تدریج کاهش یابد که قبل از تشکیل ریشه سبب مرگ آنها شود. در قلمه‌های برگدار با وجود این که تامین آب برگ‌ها به صورت طبیعی از ریشه‌ها قطع شده، ولی برگ همچنان به آرامی به تعریف خود ادامه می‌دهد. در گونه‌هایی که قلمه‌ها به سرعت ریشه‌دار می‌شوند با تشکیل سریع ریشه، برای جبران آب دفع شده، برگ‌هایی توانان زود آب را جذب نمایند. اما در

اکثر گونه‌هایی که به کندی ریشه‌دار می‌شوند، تا تشکیل ریشه، تبخیر آب از برگ‌ها در قلمه تا کمترین حد کاهش می‌یابد. برای کاهش تعرق و به حداقل رساندن آن در برگ‌های قلمه، باید فشار بخار آب فضای بین سلولی برگ‌ها با فشار بخار آب در فضای اطراف برگ‌ها برابر شود.

با آن که رطوبت در رشد ریشه‌ها نقش کاملاً واضحی دارد اما تهویه در محیط رشد قلمه از اهمیت بیشتری برخوردار است، یعنی اگر قلمه‌ها در محیط بدون رطوبت زنده بمانند تشکیل ریشه اولیه ممکن است در آنها صورت گیرد، ولی تهویه محیط زندگی قلمه‌ها شرط اساسی تشکیل ریشه در گیاهان بوده و این مسئله نقش اکسیژن را در ریشه‌زایی روشن می‌کند.

دکا و همکاران (۱۹۸۸) بهترین میزان رطوبت بستر را با پتانسیل آبی حدود ۱۵ سانتیمتر جیوه‌گزارش نمودند. گودچیلد بیک دیگر از کارشناسان چای پیشنهاد کرده است که آبیاری کامل به‌ازای هر دو یا سه روز و یا اسپری روزانه روی برگ‌ها رطوبت هوا را به طور

پایدار تامین می‌کند. امروزه، در گلخانه‌ها و خزان‌های مدرن استفاده از برگ رطوبتی الکترونیکی به عنوان وسیله‌ای به منظور تعیین زمان آبیاری، رایج می‌باشد.

درجه حرارت مناسب‌ترین درجه حرارت برای ریشه‌دار شدن قلمه‌های اکثر گیاهان در روز ۲۱-۲۷ درجه سانتی‌گراد و در شب حدود ۱۵ درجه سانتی‌گراد است. درجه حرارت بالاتر، پیشرفت رشد جوانه در تشکیل ریشه را افزایش می‌دهد ولی مقدار آب بیشتری نیز از طریق برگ‌ها هدر می‌رود به طوری که دمای بستر قلمه باید حدود ۳-۴ درجه سانتی‌گراد بالاتر از درجه حرارت هوای محیط باشد.

هید، در سال ۱۹۶۴ گزارش نمود که دمای پایین‌تر از +۵ درجه سانتی‌گراد مانع از ریشه‌زایی و در حرارت ۲۵ درجه سانتی‌گراد تشکیل ریشه‌ها را تهدید می‌کند. گابری چیدن و دزاکلی در سال ۱۹۷۶ در طول دوره آزمایش خود بر روی ریشه‌زایی قلمه‌های چای رقم آناتولی شماره یک، مناسب‌ترین درجه حرارت محیط کشت را ۲۵-۳۰

درجه سانتیگراد و حرارت هوا را ۲۴-۲۲ درجه سانتیگراد گزارش نمودند.

مقاوم نمودن نهال به دما برای زنده ماندن نهال‌ها و مقاوم نمودن قلمه‌های ریشه‌دار قبل از انتقال به زمین اصلی بسیار مهم می‌باشد.

الکسیوا و واسیلیا در سال ۱۹۷۲ بذنبال مطالعات خود گزارش نمودند که ۸۸٪ قلمه‌های چای کشت شده در گلخانه‌های سرد در ماه آوریل

در کیسه پلی‌اتیلنی ریشه‌دار شدند و پس از انتقال به زمین اصلی ۸۲٪ زنده باقی ماندند. در مقایسه با آن، قلمه‌هایی که در

گلخانه‌های گرم کشت شده بودند ۸۶٪ ریشه دادند ولی پس از انتقال به زمین اصلی تنها ۴۷٪ زنده ماندند. لذا معلوم می‌شود مقاوم

نمودن نهال با محیط بیرون از اهمیت زیادی برخوردار است.

نور

نور در تمام مراحل رشد گیاه بسیار مهم بوده چون منبع انرژی برای فتوسنتز می‌باشد. در ریشه‌دار شدن قلمه‌های برگری، مواد حاصله از

فتوسنتز برای تشکیل ریشه اولیه و رشد آن نقش مهمی دارد. شدت و

مدت تابش نور باید آنقدر بالا باشد تا کربوهیدرات‌هایی که ذخیره می‌شوند در تنفس از آنها به مقدار زیاد مصرف شود. در قلمه‌های خشبی بدون برگ این موضوع به میزان کربوهیدرات‌های ذخیره بستگی دارد. معلوم شده است که بافت ساقه در تاریکی تولید ریشه می‌نماید.

براساس گزارش فلتچر در سال ۱۹۶۵ نور آبی و مادون قرمز مانع تشکیل ریشه شده و نور قرمز برخلاف آن ریشه‌زایی را تحریک می‌کند. بنابراین می‌توان پذیرفت که سیستم مادون قرمز در فعل و انفعالات دوران آمادگی تشکیل ریشه دارای اثر بیولوژیکی بوده و فیتوکروم‌ها در این فعل و انفعالات نقش موثری را عهده‌دار می‌باشند.

با لامپ‌های فلورسنت سفید که شدت نوری معادل ۱۵۰-۲۰۰ فوت کندل دارند، قلمه‌های برگی به خوبی ریشه‌دار می‌شوند، گرچه این مقدار نسبه به شدت نور خورشید که در حدود ۱۰۰۰۰ فوت کندل است کم بنظر می‌رسد، اما در تشکیل ریشه اکثر گونه‌های گیاهی کافی می‌باشد و نور قرمز نارنجی از نور آبی مفیدتر است اما در یک

آزمایش معلوم شد که پایه‌های مادری که قبل از قلمه‌گیری به مدت شش هفته در منابع نوری مختلفی قرار داشتند، ریشه‌دهی قلمه‌ها از گیاهان در معرض نور آبی سریع‌تر بوده است. همچنین فتوپریودی که گیاهان مادری تحت آن قرار می‌گیرند می‌تواند در ریشه‌زایی قلمه‌ها آن موثر واقع شود. بهترین نتیجه از فتوپریودی گرفته می‌شود که موجب افزایش ذخیره کربوهیدرات‌ها می‌شود. نوع فتوپریود مناسب برای ریشه‌زایی قلمه گیاهان مختلف، متفاوت می‌باشد. اصولاً برای رشد کافی بوته‌های چای حداقل باید روزانه ۱۱ ساعت نور به گیاه برسد. کمتر از این مدت به علت افزایش هورمون‌های بازدارنده رشد در گیاه، بوته برگ جدید تولید نخواهد کرد.

گابری چیزر و دزاکلی در مطالعاتشان در سال ۱۹۷۶ در ریشه‌زایی قلمه‌های چای آناتولی شماره یک، گزارش نمودند که از یک بوته مادری که ۴۰۰-۵۰۰ قلمه تهیه می‌شود ۹۸-۸۶٪ آنها ریشه‌دار می‌شوند و نور مورد نیاز به این منظور ۷۰-۶۵٪ می‌باشد.

مه‌پاش و نقش آن در ریشه‌دار شدن قلمه

ازدیاد در محیط مه پاش از سال ۱۹۴۰ آغاز شد که برای ریشه دار کردن قلمه های برگدار بسیار مناسب می باشد. در چنین محیطی یک لایه نازکی از آب روی برگها به طور متناوب قرار می گیرد و نه تنها موجب بالا بردن رطوبت نسبی اطراف برگها می شود، بلکه سبب کاهش درجه حرارت هوا و برگ نیز می شود و به این طریق در کاهش میزان تعرِ برگها موثر می شود. آزمایش های انجام شده نشان داده است که درجه حرارت برگهایی که در زیر میست قرار داشتند ۵/۸- ۵/۵ درجه سانتیگراد کمتر از درجه حرارت برگهایی بود که در زیر میست نبوده اند.

از آن جایی که در ازدیاد قلمه های برگدار و سبز، تازه ماندن قلمه تا مرحله ریشه زایی از اهمیت خاصی برخوردار است، چنین محیطی برای قلمه های سخت ریشه زای بسیار مفید می باشد زیرا مدت زیادی آنها را تازه نگه می دارد و شانس ریشه زایی را افزایش می دهد. پس از آن که قلمه ها ریشه دار شدند برای انتقال آنها به محل اصلی، این عمل نباید به صورت ناگهانی انجام پذیرد. به ویژه در مواقعی که

شرایط محیطی اصل نسبتاً خشکتر از محیط اول باید زیرا سبب پژکردگی و نابودی قلمه‌های ریشه‌دار شده می‌شود.

احداث خزانه و نحوه کشت قلمه‌های چای

پژوهشی که در سال ۱۹۸۲ بر روی جهت کشت قلمه‌های چای در خزانه صورت گرفت، بیانگر این موضوع بود که جهت کشت شرقی - غربی زمانی که نوک برگ‌ها به سمت غرب باشد کمترین تلفات، و بعد از آن جهت شمالی - جنوبی زمانی که نوک برگ‌ها به سمت شمال باشد در جایگاه دوم قرار دارد. اما در مورد اخیر قلمه‌ها دارای الگوی رشد عمومی بهتری بودند. بنابراین احداث خزانه‌ها در جهت شمالی جنوبی مناسب‌تر است.

طی آزمایش‌هایی که در سال ۱۹۷۷ بر روی کلون‌های TV۱۸، TV۲۰ و TV۱ صورت گرفت، گزارش داده شد که اگرچه امروزه خزانه‌ها را به نحوی در جهت شمالی جنوب یا احداث می‌کنند که نوک برگ‌ها به سمت غرب باشند به علت استفاده بیشتر قلمه‌ها از نور دارای تلفات کمتر و رشد بهتری می‌باشند.

سایبان و نقش آن در ریشه‌زایی قلمه

سایبان مناسب قطعاً بعد از کاشت قلمه در خزانه ضروری می‌باشد. چون موجب می‌شود تا قلمه از خطر آفتاب در امان باشد تا هنگامی که جوانه‌های کناری قلمه رشد کافی نکرده و دارای چندبرگ نباشد باید خزانه پوشیده شود. ولی وقتی هر یک از قلمه‌ها دارای ۲-۳ برگ شدند می‌توان سایبان را برداشت. البته در مواقع بازرسی، وجین و مراقبت‌های دیگر اگر بادی وجود نداشته‌باشد برای مدت کوتاهی می‌توان سایبان را برداشت. امروزه با استفاده از نایلون‌های بیرنگ که نور آفتاب را از خود عبور می‌دهند می‌توان سطوح خزانه را تا ارتفاع ۱/۵-۱ متری پوشانید تا درموقع آبیاری و وجین احتیاجی به برداشتن آن نباشد و از طرفی این سایبان می‌تواند تا حد زیادی از هدر رفتن رطوبت خزانه جلوگیری کند، می‌توان از بامبو نیز استفاده نمود و سطح خزانه را تا ارتفاع ۱۷۵ سانتی‌متر پوشانید (شکل ۳-۵).

گابری چیدز و دزاکلی در سال ۱۹۷۶ گزارش نمودند که قلمه‌های آناتولی شماره یک به دو حالت کشت شدند: (الف) در زیر تونل‌های

پلاستیکی با پارچه‌های کنفی سایده داده شده (ب) فقط با پارچه‌های کنفی آنها را سایه دادند و نتیجه گرفتند که قلمه‌ها در حالت اول ۸۰٪ و در حالت دوم ۷۱٪ ریشه‌دار شدند.

روستر در سال ۱۹۷۵ عنوان نمود که در طی دو سال آزمایش، اختلاف قلمه‌های ریشه‌دار شده‌چای در زیر سایبانی از نوع پارچه که ۵۰٪ سایه داشت و چادر پلاستیکی، بسیار ناچیز بوده‌است. اما درصد ریشه‌زایی قلمه‌هایی که بدون سایبان و به حالت سرباز نگهداری شده بودند حداقل مقدار بود.

آیفر و همکارانش در سال ۱۹۸۵ تاثیر سایبان در ریشه‌زایی قلمه‌های چای را طی دو آزمایش بررسی نمودند و گزارش دادند که: قلمه‌هایی که در زیر تونل‌های پلاستیکی با پارچه سایه داده‌شده بود نسبت به انواع دیگر سایبان و بدون سایبان نتایج بهتری داده و تا ۹۲٪ قلمه‌ها ریشه‌دار شدند. در رقم ۳-Fener کشت داده در تونل‌های پلاستیکی با سایبان چتایی حداکثر ریشه‌زایی حدود ۷۵/۸٪ بدست آمد. ولی این مقدار در مقایسه با سایبان‌های پارچه‌کتانی سیاه ۷۴/۱٪ پلاستیک

۵۵/۸٪، پارچه کتانی سفید ۵۰/۸٪ و توری پلاستیکی ۴۳/۷٪ بوده است. در این آزمایش حداکثر وزن خشک ریشه با سایبان چتایی در بستر کاشت شنی بدست آمده است.

شارما در سال ۱۹۸۱ در آزمایشات خود در مورد تاثیر رنگ کیسه های پلاستیکی گزارش نمود که ریشه دهی قلمه وارپته -UPASI ۳ در زیر پلاستیک زرد روشن ۸۸٪ و در زیر پلاستیک روشن و شفاف ۸۲٪ است.